

آفتاب مهر

پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی



حوزه علمیه قم
مرکز تخصصی احکامات و نهج‌دولت



بنیاد مهدی
انتشارات

آفتاب مهر (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی)

- جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- ویراستار: محمدرضا مجیری
- طرح جلد و صفحه‌آرا: عباس فریدی
- نوبت چاپ: سیزدهم / تیرماه ۱۳۹۲
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۵۱-۴
- شمارگان: سهزار نسخه (تاکنون: شصت و دو هزار نسخه)
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۷۷۴۹۵۶۵ و ۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / (فروش) ۷۸۴۱۱۳۰ / (مدیریت) ۷۸۴۱۱۳۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰ و ۷۷۴۴۲۷۳

○ تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام / تلفن: ۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵ - ۱۵۶۵۵

○ www.mahdi۳۱۳.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

فصل اول

ادیان، فرق و مذاهب

۱. آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟ ۲۱.
۲. آیا یهود ظهور منجی آخر الزمان را قبول دارد؟ ۲۲
۳. دیدگاه انجیل و مسیحیت درباره موعود چیست؟ ۲۵
۴. دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟ ۲۸
۵. آیا درباره امام مهدی علیه السلام اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و اهل سنت در آن ها اتفاق نظر داشته باشند؟ ۳۰
۶. نظر اهل سنت درباره ولادت امام مهدی علیه السلام چیست؟ ۳۴
۷. چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است؟ ۳۷
۸. گرایش انجمن حجتیه در گذشته و برنامه های آنها را توضیح دهید؟ ۴۰

فصل دوم

مهدی شناسی

۹. چگونه می توانیم سطح فکری و اعتقادی خود را در ارتباط با امام عصر علیه السلام بالاتر برده و عمیق تر کنیم؟ ۴۷
۱۰. خلاصه ای از زندگی امام مهدی علیه السلام را تشریح کنید؟ ۴۸
۱۱. ویژگی های حضرت مهدی چیست؟ ۵۱
۱۲. چگونه حضرت که در یک مکان است، ناظر همه جا می باشد؟ ۵۳
۱۳. لطفاً در مورد آیات و روایاتی که در مورد عرضه کردن اعمال ما به ائمه صحبت می کنند کمی توضیح دهید؟ ۵۴
۱۴. آیا موقع گناه، امامان علیهم السلام ناظر اعمال ما هستند و آیا اعمال ما به امام عصر علیه السلام عرضه میشود؟ اگر این چنین باشد، لقب «ستار العیوب» بودن خدا برای چیست؟ ۵۶.

۱۵. این که امام زمان علیه السلام بر طبق روایاتی، دارای زن و فرزند هست، از نظر سند، معتبر است یا نه؟ ۵۸.
۱۶. محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت کجا است؟ آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد؟ ۵۹.
۱۷. چطور ممکن است امام مهدی علیه السلام دارای عمری چنین طولانی باشد؟ ۶۱.
۱۸. آیا عمر طولانی از نظر عقل امکان‌پذیر است؟ ۶۴.

فصل سوم

امام مهدی علیه السلام در قرآن

۱۹. قرآن کریم برای معرفی افراد از چه روشهایی استفاده کرده است؟ ۶۹.
۲۰. با توجه به اینکه نام پیامبر صلی الله علیه و آله در تورات ذکر شده است، چرا نام حضرت مهدی علیه السلام به صورت صریح در قرآن نیامده است؟ ۷۱.
۲۱. آیا واسطه فیض بودن امام زمان علیه السلام در نعمتها و در عالم وجود غیر از روایات، ریشه قرآنی هم دارد؟ ۷۳.

فصل چهارم

انتظار و منتظران

۲۲. مقصود از انتظار فرج چیست؟ ۸۱.
۲۳. چرا انتظار فرج، افضل اعمال است؟ ۸۲.
۲۴. وظایف منتظران امام زمان علیه السلام چیست؟ ۸۴.
۲۵. چگونه می‌توانم با حضرت ارتباط برقرار کنم؟ ۸۶.
۲۶. چه کار کنم تا موفق شوم به آقا امام زمان علیه السلام نزدیک شوم؟ ۸۷.
۲۷. چگونه می‌توان رضایت امام مهدی علیه السلام را به دست آورد؟ ۸۹.
۲۸. دلیل دعا کردن برای سلامتی امام عصر علیه السلام چیست؟ در حالی که خدای منان، اراده دارد آن حضرت زنده و سلامت بماند؟ ۹۲.

فصل پنجم

یاران و نایبان عام و خاص

۲۹. نایب امام زمان علیه السلام به چه کسی گفته می‌شود؟ ۹۷.
۳۰. نایبان خاص امام مهدی علیه السلام چه کسانی بودند؟ ۹۸.
۳۱. کدام گروه از افراد جامعه مصداق نایب عام هستند و وظیفه سرپرستی بر دوش آنان گذاشته شده است؟ ۹۹.

۳۲. چگونه میتوان نایب امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت شناخت؟ ۱۰۱
۳۳. ویژگیهای یاران امام زمان علیه السلام چیست؟ ۱۰۳
۳۴. یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟ ۱۰۵
۳۵. آیا انحصار یاران حضرت مهدی علیه السلام به ۳۱۳ نفر، یک نوع تبعیض نیست؟ چرا ۳۱۳ نفر؟ ۱۰۸
۳۶. چرا بیشتر یاران حضرت مهدی علیه السلام مرد هستند؟ ۱۰۹
۳۷. آیا تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام مهدی علیه السلام همه هم عصر زمان ظهور هستند یا افرادی از سابق نیز میان آنان می باشند؟ ۱۱۰
۳۸. یاران حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، چگونه نزد آن حضرت اجتماع کرده و حاضر می شوند؟ ۱۱۱
۳۹. آیا با خواندن چهل بار دعای عهد، یار حضرت مهدی علیه السلام می شویم؟ ۱۱۳
۴۰. نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۱۱۴

فصل ششم

دوران غیبت

۴۱. مراد از غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟ ۱۱۹
۴۲. چه آثار و فوایدی بر وجود امام غائب مترتب است؟ ۱۲۰
۴۳. مسجد مقدس سهله در کوفه چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟ ۱۲۳
۴۴. مسجد مقدس جمکران در قم چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟ ۱۲۵
۴۵. چرا آن حضرت غایب شد؟ ۱۲۷
۴۶. اگر امام زمان علیه السلام بین مردم بود و مردم را به راه راست راهنمایی میکرد بهتر نبود؟ خداوند بر همه چیز قادر است و میتواند او را از شر کافران حفظ کند. ۱۳۱
۴۷. غیبت امام زمان علیه السلام دارای چه مراحل بود؟ چرا؟ ۱۳۲
۴۸. آیا امامان در گذشته برای وقوع غیبت و آماده کردن شیعیان برای این امر زمینه سازی کرده اند؟ ۱۳۴
۴۹. عده ای از شیعیان، اعتقاد دارند مثلث برمودا، پایگاه حضرت مهدی علیه السلام است. آیا اسناد و شواهدی وجود دارد تا آن را به اثبات رساند؟ ۱۳۵
۵۰. مراد از سرداب غیبت چیست؟ ۱۳۸
۵۱. در روایتی خواندم که، هر حکومتی پیش از قیام امام زمان علیه السلام به وجود بیاید، حکومت طاغوت است. این حدیث را در رابطه با نظام فعلی ما توضیح دهید. ... ۱۳۹

فصل هفتم

ارتباط و ملاقات

۵۲. حضرت مهدی علیه السلام میفرماید: «هر کس بگوید مرا دیده، دروغ گفته است»؛ در حالی که از شخصیت‌های بزرگ نقل شده است که امام زمان علیه السلام را دیده‌اند. این تناقض را حل کنید؟ ۱۴۵
۵۳. روایاتی میگوید: «هر کس در غیبت کبرا، ادعای رؤیت امام زمان علیه السلام را کرد، او را تکذیب کنید»؛ آیا این روایت، بر خلاف لطف کامل پروردگار نیست و آیا برخی عالمان و صلحا، حضرت مهدی علیه السلام را زیارت نکرده‌اند؟ ۱۴۸
۵۴. آیا می‌توان به امام زمان علیه السلام نامه نوشت؟ چه شرایطی باید رعایت شود؟ ۱۵۰
۵۵. آیا شخصی که گناه کرده است، میتواند با امام زمان علیه السلام ارتباط داشته باشد؟ ۱۵۳
۵۶. عشق و محبت دو سویه درباره ما و امامان علیهم السلام چگونه است؟ ۱۵۵

فصل هشتم

آخرالزمان

۵۷. آخرالزمان یعنی چه؟ آیا ما در آخرالزمان هستیم؟ ۱۶۱
۵۸. مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در آخرالزمان و پیش از ظهور چیست؟ ۱۶۴
۵۹. شنیده ایم در روایات آمده که دینداری در آخرالزمان مثل گرفتن آتش در دست است. چرا دینداری در آخرالزمان، سختتر از زمانهای دیگر است؟ ۱۶۷
۶۰. معنای این جمله که میگویند: «هنگام ظهور، از اسلام و قرآن، چیزی جز نام باقی نمانده است»، چیست؟ ۱۷۰
۶۱. منظور از «آرماگدون» چیست؟ و غربی‌ها در این مورد چه فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند؟ ۱۷۱
۶۲. تفکرات حاکم بر فیلم‌های امریکایی (هالیوود) درباره تسخیر جهان و این که کسی می‌آید و جهان را به هم می‌ریزد چگونه تحلیل می‌شود؟ ۱۷۴
۶۳. فیلم‌هایی مانند «روز استقلال»، «نوستراداموس» یا «بازی جهنم خلیج فارس» چه ارتباطی با موضوع مهدویت دارد؟ ۱۷۷
۶۴. ماجرای کنفرانس تل‌آویو و مصوبات آن چیست؟ ۱۷۸
۶۵. چه سیاست‌هایی در فیلم‌سازی هالیوود دنبال می‌شود؟ ۱۷۹

فصل نهم

ظهور، علایم و شرایط آن

۶۶. اساس و بنیان حرکت و نهضت حضرت مهدی علیه السلام آیا بر پایه معجزه است یا روندی عادی و طبیعی مانند انقلاب‌های دیگر جهان دارد؟ ۱۸۳
۶۷. مراد از شرایط ظهور چیست؟ با علایم ظهور چه تفاوتی دارد؟ ۱۸۷
۶۸. برای آن که ظهور امام مهدی علیه السلام واقع شود، چه شرایطی باید موجود باشند؟ .. ۱۸۸
۶۹. با توجه به این که امام زمان علیه السلام ظهور نمیکند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسانها به آماده‌سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟ ۱۹۲
۷۰. آیا با توجه به شرایط کنونی جهان، زمینه‌ها و شرایط برای ظهور امام مهدی علیه السلام آماده است؟ ۱۹۶
۷۱. دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند تا امام زمان علیه السلام ظهور کنند؟ ۱۹۷
۷۲. امام زمان علیه السلام آمدنی است یا آوردنی؟ ۱۹۹
۷۳. چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمیکند؟ مانع عمده ظهور چیست؟ ۲۰۰
۷۴. انقلاب اسلامی ایران، چه نقشی در امر قیام و ظهور امام مهدی علیه السلام دارد؟ ۲۰۲
۷۵. هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایران اسلامی ما، در چه شرایط و موقعیت اجتماعی است؟ ۲۰۵
۷۶. با وجود پیشرفت علم و با وجود سلاحهای مدرن، آیا جنگ امام زمان علیه السلام با شمشیر خواهد بود؟ ۲۰۷
۷۷. مراد از علایم ظهور چیست؟ ۲۰۸
۷۸. علایم ظهور کدامند؟ ۲۰۹
۷۹. کدام یک از علایم ظهور واقع شده است؟ ۲۱۲
۸۰. آیا به نظر شما، نشانه‌های ظهور نزدیک است یا این، صرف تصوراتی است که ما داریم؟ ۲۱۳
۸۱. دجال کیست؟ ۲۱۴
۸۲. خراسانی کیست؟ ۲۱۷
۸۳. منظور از قتل نفس زکیه چیست؟ ۲۱۸
۸۴. درباره سید حسنی توضیح دهید. ۲۲۱
۸۵. درباره یمانی توضیح دهید. ۲۲۴
۸۶. سفیانی کیست؟ درباره او توضیح دهید. ۲۲۵
۸۷. جهان در آستانه ظهور امام زمان علیه السلام در چه شرایطی است؟ ۲۲۶
۸۸. آیا امام زمان علیه السلام از زمان ظهور خود اطلاع دارد؟ ۲۳۱

۸۹. حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام قیام خود را از کجا آغاز میکند؟ ۲۳۳
۹۰. چرا حضرت در مکه ظهور می‌کند؟ ۲۳۴
۹۱. درباره جنگ‌های زمان ظهور سخنانی گفته می‌شود، حقیقت آن چگونه است؟ ۲۳۵
۹۲. زمان ظهور حضرت حجت، چه وقتی است؟ ۲۳۸
۹۳. حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، فرمود: «علت قبول خلافت از سوی من، عهد و مسؤولیتی است که خدا از عالمان و دانشمندان گرفته است که برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. اینک مردم، اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند». چرا اکنون که مردم، این همه استغاثه میکنند و فریاد تمنای ظهور مهدی علیه السلام سر میدهند و ظلم و جور، بیداد می‌کند و فقر، گریبانگیر ملتها شده است، حضرت نمی‌آید؟ ۲۴۰

فصل دهم

دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام

۹۴. آیا پروژه جهانی سازی یا فرایند جهانی شدن با حکومت جهانی امام مهدی، همگرایی دارد یا واگرایی؟ ۲۴۵
۹۵. آیا انقلاب مهدی علیه السلام الزاماً به حکومت واحد جهانی می‌انجامد؟ ۲۴۷
۹۶. آیا با ظهور امام زمان علیه السلام همه مردم مسلمان میشوند؟ ۲۵۰
۹۷. برنامه حکومتی و اصلاحی امام مهدی علیه السلام چیست؟ ۲۵۴
۹۸. آیا امام زمان علیه السلام و اصحابش در عصر ظهور از امدادهای غیبی برخوردارند؟ ۲۵۷
۹۹. منظور از کشته شدن شیطان به دست امام زمان علیه السلام چیست؟ ۲۶۰
۱۰۰. اگر حضرت مهدی علیه السلام شیطان را بکشند، مردمان پس از ظهور، از فربهایی شیطان در امان خواهند ماند. این، چگونه با عدالت خدا سازگار است؟ ۲۶۲
۱۰۱. آیا پس از ظهور یا قیام یا تشکیل حکومت بقیه الله کسی هم گناه میکند؟ اختیار چه میشود؟ ۲۶۵
۱۰۲. برخی می‌گویند با توجه به روایات در زمان امام مهدی علیه السلام امکان گناه کردن وجود ندارد، آیا این گفته‌ها درست است؟ ۲۶۷
۱۰۳. اگر در زمان امام عصر علیه السلام امکان گناه وجود دارد پس چرا ظلم و گناه صورت نمی‌گیرد و یا بسیار اندک است؟ ۲۶۸
۱۰۴. سیمای دوران ظهور و دوران حکومت امام مهدی علیه السلام چگونه است؟ ۲۶۹
۱۰۵. نقش و برنامه حضرت عیسی علیه السلام در حکومت حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ۲۷۲
۱۰۶. آیا حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور خود، احکام جدید می‌آورد؟ ۲۷۳

۱۰۷. منظور از دین و قرآن جدیدی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه می آورد، چیست؟ ۲۷۵
۱۰۸. حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه چه مدت به طول می انجامد؟ ۲۷۷
۱۰۹. آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه بعد از ظهور، به شهادت میرسد؟ ۲۷۸
۱۱۰. رجعت چیست؟ لطفاً آن را به صورت کامل توضیح دهید؟ ۲۸۰
- فهرست منابع ۲۸۳
- کتابنامه ۲۸۵

مقدمه

اسلام‌گرایی و گسترش اندیشه دینی در دهه‌های اخیر و رشد روز افزون تشنگان مباحث اسلامی به خصوص معارف مهدویت در میان جوامع اسلامی، دشمنان را بر آن داشته که در مقابل این سیل خروشان، سدی ایجاد کنند تا شاید از امواج آن بکاهند و روند آن را کندتر کنند. در این راستا دشمن برای مبارزه با اسلام‌گرایی راه‌های مختلفی را در پیش گرفته است از جمله تهیه فیلم‌های سینمایی کارتونی، بازی‌های رایانه‌ای، تبلیغات گسترده بر علیه اسلام و... در این میان شاید بتوان ادعا کرد که از میان آموزه‌های دینی اسلامی، مهدویت از مهم‌ترین و اثرگذارترین آموزه‌ها است. در حقیقت حیات جوامع اسلامی و امید به آینده روشن در اعتقاد به این آموزه و ایمان به آن نهفته است. دشمن به این مسأله پی برده و با تمام توان شروع به فعالیت علیه این آموزه حیاتی کرده است. انکار این آموزه، سعی در ایجاد تحریف در آن، تحمیل مدل‌ها و نمونه‌های ساخته خود به عنوان مدل مهدوی به جوامع انسانی و اسلامی، حمایت از مدعیان و القاء سؤالات و شبهات از جمله تلاش‌های آنان است.

در نگاه اول این حرکت دشمن بسیار آسیب‌زا و مخرب است؛ اما در حقیقت مصداق روشن این سخن است که: «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد»؛ چرا که ماندن در شک و تردید اگرچه جایگاه بدی است ولی معبر و گذرگاه خوبی است برای مؤمنانی که با پیگیری

مسأله و تحقیق و سؤال از اهل علم و دانایان به آن موضوع، به نتیجه قطعی می‌رسند و ایمان و معرفت خود را افزایش می‌دهند. شهید مطهری رحمته الله علیه در این زمینه می‌فرماید:

... اگر این تشکیکات وارد جامعه نشود خطر است، اگر وارد نشود کم‌کم مردم آن حالت دینی شان رو به تحجر و نه تحجر که رو به عفونت می‌رود. درست مثل آب کاملاً صافی که آن را در حوض قرار می‌دهیم و اگر مدتی بماند می‌گندد. اگر در مردم یک حالت آرامشی باشد و بر معتقدات دینی و مذهبی تازیانۀ شک نخورد در آن صورت عوام، پیش‌تاز آن معتقدات می‌شوند. وقتی عوام پیش‌تاز بشوند دائم از خودشان چیزی می‌سازند....^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس؛ کسی که زمان‌شناس است شبهات بر او هجوم نخواهد آورد.^۲

با این نگاه هر انسان مؤمن با درک صحیح از زمان خود، باید به دنبال محکم کردن اعتقادات و ایمان خود باشد تا گرفتار شبهات نشود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

من عرف الايام لم يغفل عن الاستعداد؛ هر کس که روزگار خود را شناخته باشد و زمان‌شناس باشد از

۱. فصلنامه مطهر، ش صفر، ص ۳۴ و ۳۵؛ به نقل از: موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲۹.

آمادگی غافل نخواهد شد.^۱

در جبهه دفاع از اعتقادات و پاسخ به شبهات و سؤالات مردم، علمای دین همیشه در صف مقدم مبارزه بوده‌اند و با جهاد علمی و عملی خود برگ‌های زرینی را در طول تاریخ برای مذهب تشیع به ثبت رسانده‌اند. این جهاد علمی سیره‌ای بوده در میان علمای بیدار و آگاه شیعه. مرحوم شیخ صدوق در مورد تألیف کتاب شریف *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* می‌فرماید:

انگیزه من در تألیف این کتاب آن بود که چون آرزویم در زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام برآورده شد به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم و دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می‌کردند در امر غیبت حیرانند و درباره امام قائم علیه السلام شبهه دارند و از راه راست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده‌اند پس با استمداد از اخبار وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام تلاش خود را در ارشاد ایشان بکار بستم تا آن‌ها را به حق و صواب دلالت کنم تا این که شیخی از اهل فضل و علم و شرف که از دانشمندان قم بود... یک روز که برایم سخن می‌گفت کلامی از یکی از فلاسفه و منطقیان بزرگ بخارا نقل کرد که آن کلام، او را در مورد قائم علیه السلام حیران ساخته بود و به واسطه طول غیبتش و انقطاع اخبارش او را به شک و تردید انداخته

بود. پس من فصولی در اثبات وجود آن حضرت علیه السلام بیان کرده و اخباری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام در غیبت آن امام، روایت کردم و او بدان اخبار آرامش یافت و شک و تردید و شبهه را از قلب او زایل ساخت و احادیث صحیحی را که از من فرا گرفت به سمع و طاعت و قبول و تسلیم، پذیرفت و از من درخواست کرد که در این موضوع کتابی برایش تألیف کنم، من نیز درخواست او را پذیرفتم...^۱

به این شکل کتاب‌های زیادی از علمای ما برای پاسخ به شبهات و سؤالات، تألیف و چاپ شده است که بر اهل فن و تحقیق پوشیده نیست. در این راستا واحد پرسش و پاسخ مرکز تخصصی مهدویت، برای پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی با موضوع مهدویت، از سال ۸۳ فعالیت خود را آغاز کرده و از طریق تلفن، اینترنت، نامه‌های پست جواب قبول و برگزاری جلسات، پاسخ‌گوی سؤالات مخاطبان خود می‌باشد. این مجموعه نتیجه تلاش بی‌وقفه اساتید، محققان و دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم می‌باشد که در سه دفتر آماده می‌شود و در حال حاضر دفتر اول آن با موضوعات مختلف در قالب ۱۱۰ پرسش‌ارایه می‌شود. از ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

- نویسندگان و پاسخگویان به سؤالات، از اساتید و محققان

۱. کمال الدین، ج ۱، مقدمه کتاب، ص ۸، ترجمه منصور پهلوان.

مجموعه تخصصی مهدویت می‌باشند لذا از اتقان و محتوای علمی برخوردار است در عین اینکه سعی شده مطالب به صورت روان و ساده بیان شود تا عموم جامعه از آن بهرمند شود.

- سوالات طرح شده، سؤالاتی است که طی سال‌های گذشته توسط جویندگان معارف مهدوی مطرح شده و پاسخ‌های آن‌ها را دریافت کرده‌اند و در حقیقت این سؤالات از عینیت جامعه جمع‌آوری شده است.

- حتی‌المقدور عین سؤالات مخاطبان چاپ شده تا جذابیت آن حفظ شود.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم که از مدیر محترم مرکز تخصصی مهدویت جناب حجت‌الاسلام مجتبی کلباسی و کلیه اساتید، محققان گرانقدر و دانش‌پژوهانی که در پاسخ‌گویی به سؤالات، این مجموعه را یاری کرده‌اند تشکر کنیم به خصوص جناب حجت‌الاسلام مهدی یوسفیان و جناب حجت‌الاسلام تقی حاتمی که زحمت بسیاری برای آماده‌سازی این مجموعه متحمل شدند و در نهایت با نظارت علمی و اصلاح مطالب، کار را به سرانجام رساندند.

امید است که با توفیق حضرت حق ﷻ و عنایات ویژه حضرت مهدی ﷺ، دفتر دوم و سوم نیز برای استفاده طالبان و تشنگان حقیقت آماده و ارایه شود.

مرکز تخصصی امامت و مهدویت حوزه علمیه قم
واحد پاسخ به سؤالات

فصل اول

ادیان، فرق و مذاهب



آیا اعتقاد به آمدن منجی در آینده مخصوص مسلمانان و به ویژه شیعیان است؟

فوتوریسم^۱ به معنای اعتقاد به ظهور یک نجات‌دهنده بزرگ آسمانی و امید به آینده روشن که در آن، نگرانی‌ها و هراس‌ها مرتفع گردد و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی، همه تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده شود و ریشه ظلم و جهل و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره، همه‌جا و همه زمان‌ها، نزد تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است.

در کتاب‌های مربوط به مذاهب به نام‌ها و القاب مختلفی از

منجی بر می‌خوریم؛ برای نمونه

- در مذهب یهود: ماشیح؛

۱. fotorism

- در مذهب مسیحیت: مسیح؛
 - در مکتب زرتشت: سوشیانس؛
 - در مکتب هندوها: ویشنو، کلکی یا کلکین؛
 - در مکتب بودا: بودای پنجم میتریه؛
 - در مذهب اسلام: مهدی، قائم؛
- آنچه از تاریخ امت‌ها استفاده می‌شود، این است که مسأله عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان، به نام منجی موعود جهان، به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان الهی و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است، تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان‌ها در فراز و نشیب‌های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتدری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات می‌دادند و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می‌کنند.



آیا یهود ظهور منجی آخر الزمان را قبول دارد؟

در کتاب *تورات* و ملحقات آن، بشارت‌های زیادی درباره آمدن موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است که به قسمتی از آن اشاره می‌شود:

الف. بشارت ظهور در زبور داوود:

در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر صدوپنجاه گانه، نوید ظهور آن موعود امم و منجی عالم موجود است:

زیرا که شیران منقطع می‌شوند؛ اما متوکلان به خداوند،
 وارث زمین خواهند شد؛ چون که بازوهای شیران
 شکسته می‌شود و خداوند، صدیقان را تکیه گاه است.
 خداوند، روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان
 ابدی خواهد بود. صدیقان، وارث زمین شده، ابداً در آن
 ساکن خواهند شد؛ اما عاصیان، عاقبت، مستأصل و
 عاقبت، شیران، منقطع خواهند شد.^{۱ و ۲}

ب. بشارت ظهور در کتاب/شعایی نبی:

در بخشی از این کتاب، خداوند، قریب الوقوع بودن تحقق عدالت خویش را وعده می‌دهد و مؤمنان را به اجرای عدالت فرا می‌خواند و می‌گوید:

انصاف را نگاه بدارید، عدالت را جاری کنید؛ زیرا که
 آمدن نجات من و منکشف شدن عدالت من، نزدیک

۱. کتاب مز/میر، مزمور ۳۷، بندهای ۹ - ۳۸.

۲. همچنین در مزمور ۷۲ آمده است: از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصای زمین، سلطنت خواهد کرد. تمامی ملوک، با او کرنش خواهند کرد و تمامی امم او را بندگی خواهند کرد؛ زیرا، فقیر را وقتی که فریاد می‌کند و مسکین که نصرت‌کننده ندارد، خلاصی خواهد داد. و به دلیل و محتاج، ترحم خواهد فرمود و جان‌های مسکینان را نجات خواهد داد. قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد.

است.^۱

آن‌گاه، انصاف، در بیابان، ساکن خواهد شد و عدالت، در بوستان مقیم خواهد گردید و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه عدالت، آرامی و اطمینان خاطر خواهد بود تا ابدالآباد. و قوم من، در مسکن سلامتی و در مساکن مطمئن و در منزل‌های آرامی، ساکن خواهند شد.^۲

ج. بشارت ظهور در کتاب زکریای نبی:

در آن روز، یهوه [خدا] بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود و در آن روز، یهوه واحد خواهد بود و اسم او واحد.^۳

د. بشارت ظهور در کتاب دانیال نبی:

امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز، نبوده و در آن زمان، هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یاد شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد؛ اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان، مثل روشنائی افلاک خواهند درخشید و آنانی

۱. کتاب/تسعای نبی، باب ۵۹.

۲. همان، باب ۳۲.

۳. کتاب زکریای نبی، باب ۱۴.

که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌کنند؛ مانند ستارگان خواهند بود تا ابد الآباد. اما توای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر، مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند کرد و علم افزوده خواهد گردید. خوشا به حال آن که انتظار کشد!^۱

ه. بشارت ظهور در کتاب حقیوق نبی:

اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد...؛ بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند.^۲



دیدگاه انجیل و مسیحیت دربارهٔ موعود چیست؟

نام کتاب مقدس مسیحیان، *انجیل* است که به دست چهار نفر جمع‌آوری شده و به نام نویسندگان آن مشهور گشته است. انجیل کنونی، مشتمل بر چهار انجیل *متی*، *مرقس*، *لوقا* و *یوحنا* است. اینک، متن برخی از آن بشارت‌ها را که در انجیل آمده است، می‌آوریم:

۱. کتاب *دانیال نبی*، باب ۱۲.

۲. کتاب *حقیوق نبی*، فصل ۲، بندهای ۳.

الف. انجیل متی:

و فوراً بعد از مصیبت آن ایام، آفتاب، تاریک گردد و ماه، نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند و قوت‌های افلاک، متزلزل گردد. آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین، سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیمی می‌آید.^۱

ب. انجیل مرقس:

عیسی، خطاب به حواریون گفت: «زنهار کسی شما را گمراه نکند؛ زیرا که بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت که من هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد؛ اما چون جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را بشنوید، مضطرب نشوید؛ زیرا که وقوع این حوادث، ضروری است. لیکن انتها، هنوز نیست؛ زیرا که امتی بر امتی و مملکتی بر مملکتی خواهند برخاست و زلزله‌ها در جای‌ها، حادث خواهد شد و اغتشاش‌ها پدید می‌آید و این‌ها، ابتدای دردها می‌باشد، لیکن شما از برای خود احتیاط کنید.

ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس بیدار شده و دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید آن وقت کی می‌شود در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبدا ناگهان

آمده، شما را خفته یابد.^۱

ج. انجیل لوقا:

و کمرهای خود را ببندید، چراغ‌های خود را فروخته
بدارید. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون
آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا
در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.^۲

د. انجیل یوحنا:

و بدو قدرت بخشیده است که داوری هم بکند؛ زیرا که
پسر انسان است و از این تعجب نکنید؛ زیرا، ساعتی
می‌آید که در آن، جمیع کسانی که در قبورند، آواز او را
خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.^۳

لازم به ذکر است در انجیل و ملحقات آن، هشتاد بار کلمه «پسر
انسان» آمده است که فقط سی مورد آن، با حضرت عیسی مسیح
قابل تطبیق است؛ اما پنجاه مورد دیگر، از نجات‌دهنده‌ای سخن
می‌گوید که در آخرالزمان و پایان روزگار ظهور خواهد کرد.^۴

۱. انجیل مرقس، باب ۱۳.

۲. انجیل لوقا، باب ۱۲.

۳. انجیل یوحنا، باب ۵.

۴. مستر هاکس آمریکائی، قاموس کتاب مقدس، به نقل از کتاب ظهور حضرت
مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، نوشته سید اسدالله هاشمی شهیدی.



دیدگاه دین اسلام درباره ظهور منجی چیست؟

در دین مقدس اسلام، مسأله موعود و منجی، به روشنی مطرح شده است. قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، در آیات متعدد به حاکمیت صالحان بر زمین و غلبه دین حق، اشاره دارد. از جمله آن‌ها آیه ۱۰۵ از سوره انبیا است.^۱ خداوند، در این آیه تصریح می‌کند که زمین را بندگان صالح من به ارث می‌برند و در اختیار می‌گیرند. همچنین تصریح می‌کند که این امر، حقیقتی است که در کتب انبیای گذشته نیز بدان اشاره شده است. در آیه ۵۵ از سوره نور خداوند، به انسان‌هایی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دادند، وعده می‌دهد که خلافت و حکومت در زمین را به آنان وامی‌گذارد و دینشان را پابرجا و برقرار می‌سازد و در چنین زمانی، آرامش و امنیت کامل، در جهان ایجاد می‌شود و آدمیان به عبادت و بندگی خدا می‌پردازند.

خداوند، در سه جای قرآن (توبه: ۳۳ و ۳۴؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۸) تصریح می‌کند، دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد؛ هر چند کافران و مشرکان نخواهند و خود را شاهد بر چنین رویدادی معرفی می‌کند. البته، با توجه به روایاتی که در تفسیر و تبیین آیات الهی از

۱. و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنَّ الارض یرثها عبادی الصالحون؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد».

پیشوایان معصوم صادر شده است، می‌توان دریافت که بیش از ۲۵۰ آیه از آیات قرآن، به امام مهدی علیه السلام و حاکمیت عدل و دین، اشاره دارد.^۱

علاوه بر قرآن کریم، در کتب روایی مهم شیعه و سنی روایات متعددی درباره او ذکر شده است، کتاب‌های متعددی نیز ویژه آن حضرت به رشته تحریر در آمده است؛ برای نمونه، می‌توان از *کمال الدین و تمام النعمة*، اثر شیخ صدوق، *الغیبة*، نوشته نعمانی و *کتاب الغیبة*، نوشته شیخ طوسی از علمای گذشته و *منتخب الاثر*، اثر لطف‌الله صافی گلپایگانی از علمای معاصر شیعه، نام برد یا به *الفتن*، اثر ابن حماد و *الاربعة*، تألیف ابونعیم اصفهانی از اهل سنت اشاره کرد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مهدی از عترت من از نسل فاطمه علیها السلام است.^۲

ذکر این نکته مناسب است که به اعتقاد شیعه، امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که در سال ۲۵۵ ق به دنیا آمد و

۱. ر.ک: *معجم احادیث الامام مهدی*، ج ۵.

۲. در *سنن ابوداود* که از کتاب‌های مهم اهل سنت است، در باب «ما جاء فی المهدی» حدیث شماره ۳۷۳۵ از ام‌سلمه نقل شده است که: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يقول: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة»؛ شنیدم پیامبر فرمود: «مهدی، از عترت من از نسل فاطمه است».

در حدیث شماره ۳۷۳۶ از ابی سعید خدری نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی منی اجلی الجبهة اقلی الانف یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ مهدی، از من است. پیشانی او آشکار و هویدا است، بینی بلند و کشیده دارد. زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است»، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ص ۱۷۷، ح ۲۷۸.

اکنون در پس پرده غیبت قرار دارد و تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام دهد، زنده است؛ ولی به اعتقاد اهل سنت، او به دنیا نیامده است؛ بلکه در آخر الزمان و حدود چهل سال پیش از ظهورش، متولد خواهد شد.



آیا درباره امام مهدی علیه السلام اعتقاداتی وجود دارد که شیعه و عامه (اهل سنت) در آن‌ها اتفاق نظر داشته باشند؟

با رجوع به روایات موجود در منابع روایی و با نگاه به کلمات بزرگان و علمای هر دو مذهب، به موارد متعددی برمی‌خوریم که مورد قبول و اتفاق آن‌ها می‌باشد، از جمله:

الف. هر دو گروه، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را امری قطعی می‌دانند. مرحوم شهید صدر رحمه الله از علمای بزرگ شیعه در این باره می‌فرماید:

به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای متظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر ص و به طور عموم و در روایات اهل بیت علیهم السلام به طور خصوص آمده است و به حدی بر این مسأله تأکید شده است که جای هیچ شکی برای انسان باقی نمی‌گذارد...^۱

۱. بحث حول المهدی، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

ناصر الدین البانی از بزرگان اهل سنت می گوید:

اما مسأله مهدی، باید دانسته شود که درباره خروج او احادیث صحیح بسیاری وارد شده است....^۱

ب. یکی دیگر از مسائل مورد قبول هر دو گروه، موضوع فراگیر بودن دعوت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. خداوند متعال در قرآن کریم به این مطلب اشاره کرده و می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۲؛ خداوند، به کسانی از شما بندگان که ایمان آورده و نیکوکار شوند، وعده داده است آنان را بر روی زمین خلافت دهد....

امام باقر علیه السلام درباره گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

قائم علیه السلام ۳۰۹ سال مالک زمین می شود و در آن، حکومت می کند؛ همان گونه که اهل کهف در غارشان درنگ کردند. زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. خداوند برای او شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد...»^۳.

احمد بن حنبل^۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود:

۱. ناصر الدین البانی، حول المهدی علیه السلام، مجله /تمدن/ الاسلامی، سال ۱۳۷۱ق.

۲. نور (۲۴): ۵۵.

۳. «یملک القائم ثلاثمائة سنة ویزداد تسعا كما لبث اهل الكهف فی كهفهم، یملأ الارض عدلا و قسطا كما ملئت ظلما و جورا فیفتح الله له شرق الارض و غربها». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۴. احمد بن حنبل از بزرگان عامه و سرسلسله گروه حنابله می باشد.

زمین پر از ستم و ظلم می‌شود. در این هنگام، شخصی از عترتم خروج می‌کند و در مدت هفت یا نه سال مالک کل زمین خواهد شد. در این هنگام، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.^۱

ج. هر دو گروه، اتفاق دارند که لقب منجی جهانی، «مهدی» است. مرحوم علامه مجلسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که فرمود: مهدی خروج می‌کند، در حالی که بالای سر او ابری است و میان آن ابر، کسی است که ندا می‌کند: «این، مهدی خلیفه خدا است. او را پیروی کنید».^۲

حاکم نیشابوری از علمای حدیث عامه به سند خود از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«المهدی منا اهل البیت؛ مهدی، از اهل بیت است».^۳

د. هر دو گروه اعتقاد دارند که مهدی موعود علیه السلام از فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«المهدی رجل من ولد فاطمة؛ مهدی مردی از اولاد فاطمه است».^۴

۱. «تملاً الارض ظلماً و جوراً ثم یخرج رجل من عترتی یملک سبعاً او تسعاً فیما أُلّی الارض قسطاً و عدلاً»، مستند احمد، ج ۳، ص ۲۸.

۲. «یخرج المهدی و علی رأسه غمامة فیها مناد ینادی هذا المهدی خلیفة الله فاتبعوه»؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۳. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷.

۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۳.

در روایات اهل سنت نقل شده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

«المهدی من ولد فاطمه؛ مهدی از اولاد فاطمه است».

ه نزول حضرت عیسیٰ علیہ السلام و اقتدای او به امام مهدی علیہ السلام از دیگر اموری است که هر دو گروه به آن اشاره کرده‌اند.
امام صادق علیہ السلام فرمود:

نازل می‌شود روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می‌خواند
[حضرت عیسیٰ علیہ السلام] پشت سر او [امام مهدی علیہ السلام].^۲

رسول خدا ﷺ فرمود:

از ما است کسی که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و
نماز می‌گزارد.^۳

و. معرفی و بیان علایم ظهور نیز از دیگر امور مورد اتفاق است.
جابر از امام باقر علیہ السلام نقل می‌کند:

پس فرود می‌آید امیر لشکر سفیانی [همراه لشکرش] به
[زمین] بیداء. پس منادی از آسمان ندا دهد: «ای بیداء
نابود کن قوم [= لشکر] را. پس آن‌ها را در خود فرو
می‌برد».^۴

عایشه از پیامبر ﷺ نقل کرده است:

لشکری آهنگ کعبه می‌کند. پس هنگامی که به زمین

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۸۶، ح ۴۰۸۶.

۲. «و ينزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه»، کمال الدین، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.

۳. «منا الذی یصلی عیسی بن مریم خلفه»، مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴.

۴. الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۶۷، ص ۲۹۰.

بیداء در آمدند، [زمین] همه آن‌ها را فرو می‌برد.^۱

البته موارد اتفاقی دیگری نیز وجود دارد، مانند: امدادهای الهی، طلوع خورشید از مغرب، مشخصات ظاهری امام، فراوانی نعمت در زمان ظهور، گسترش امنیت و عدالت در عصر ظهور، رفاه و آسایش اقتصادی، غلبه اسلام بر تمام ادیان دیگر و....



نظر اهل سنت درباره ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه چیست؟

میان عامه درباره این موضوع دو دیدگاه وجود دارد:

الف. اکثر آنان ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را قبول ندارند؛ بلکه معتقدند او در آخر الزمان به دنیا می‌آید.

ب. برخی از آنان، ولادت حضرت را پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، موارد زیر ارائه می‌شود:

۱. محمد بن یوسف شافعی در کتاب *البيان في اخبار صاحب الزمان*، می‌گوید:
در تألیف کتاب، اخبار و روایات مربوط به مهدی صاحب الزمان را از غیر از طرق شیعه نقل کرده‌ام؛
هرچند آنچه که شیعه در این زمینه معتقد است و پذیرفته است، صحیح و نقل آن، درست است.^۲

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۷۹، ح ۲۰۱۲.

۲. این کتاب، مشتمل بر ۲۵ فصل است که در هر فصل، تنها روایاتی را که از دیدگاه

۲. محمد بن طلحه شافعی در کتاب *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول* می گوید:

مهدی منتظر، در سال ۲۵۸ق، در سامرا متولد شد. پدرش، حسن بن علی بن محمد بن علی الرضا بن موسی کاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن حسین بن علی المرتضی علیه السلام است. نام او محمد و کنیه اش ابوالقاسم و از القاب او حجت و خلف صالح و منتظر است.^۱

۳. سبط ابن جوزی حنفی در کتاب *تذکرة الخواص* می گوید:

حضرت حجت مهدی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن

اهل سنت معتبر است، نقل می کند. برخی از فصل های کتاب عبارت است از: مهدی علیه السلام در آخرالزمان خروج می کند؛ مهدی علیه السلام از نسل فاطمه زهرا علیها السلام است؛ حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان به او اقتدا می کند؛ نام و کنیه اش، همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ صفات و رنگ و چهره ی حضرت مهدی علیه السلام؛ مهدی علیه السلام، امام صالحی است که خلیفه الله است.

فصل بیست و پنجم این کتاب، در این زمینه است که مهدی علیه السلام از زمان غیبتش که در سرداب سامرا اتفاق افتاد، تاکنون زنده و باقی است. او، به اشکالاتی که در زمینه طول عمر حضرت و غیبت آن بزرگوار وجود دارد، پاسخ می دهد.

۱. او سپس روایاتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره ی مهدی موعود علیه السلام نقل می کند مبنی بر این که: «مهدی، از نسل من و از فرزندان فاطمه علیها السلام و هم نام من است؛ در آخرالزمان قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده است. این قیام، حتمی است، حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش تر باقی نمانده باشد». وی پس از ذکر این روایات، آن ها را بر همان ابوالقاسم محمد بن حسن بن علی ... علی ابن ابی طالب علیه السلام متولد ۲۵۵ق تطبیق می کند و به اشکال ها و شبهاتی که در این باره ممکن است مطرح شود، پاسخ می دهد.

الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام است. کنیه او، ابو عبدالله و ابوالقاسم است و او است حضرت حجت و صاحب الزمان و قائم منتظر.^۱

۴. عبدالوهاب شعرانی در کتاب *الیواقیت و الجواهر*^۲، فصلی را به وقایعی که پیش از روز رستاخیز و در پایان دنیا حتماً اتفاق می‌افتد، اختصاص داده است و از قول برخی از اکابر علمای اهل سنت، نقل می‌کند:

«مهدی علیه السلام»، فرزند حسن عسکری علیه السلام است که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق متولد شد و زنده باقی خواهد ماند، تا با عیسی علیه السلام ظهور کند و اکنون که سال ۹۵۸ هجری است، ۷۰۳ سال از عمر شریف او می‌گذرد».^۳

۱. عبدالله بن عمر در روایتی نقل می‌کند که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر الزمان، مردی از فرزندان من قیام می‌کند که نام او همانند نام من و کنیه‌اش همانند کنیه من است و زمین را از عدل و داد پر می‌کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده است.

۲. این کتاب در بیان آرای بزرگان علمای اهل سنت در مسایل مختلف عقیدتی است.

۳. نیز از قول شیخ محیی‌الدین عربی چنین نقل می‌کند: «خروج مهدی علیه السلام، حتمی است بعد از آن که زمین از ظلم و جور پر شود؛ به گونه‌ای که حتی اگر یک روز از عمر دنیا بیش‌تر باقی نمانده باشد، حتماً مهدی علیه السلام قیام می‌کند و زمین را از عدل و داد پر می‌کند. او، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه علیه السلام است و جدش، حسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام است و پدرش حسن عسکری، فرزند علی النقی، فرزند محمد النقی، فرزند علی الرضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر الصادق، فرزند محمد الباقر، فرزند زین العابدین علی، فرزند حسین، فرزند امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام است. اسمش، اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهره‌اش، شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و... *الیواقیت و الجواهر*، ج ۲، ص ۱۴۳.

ما به ذکر همین چند نمونه بسنده می‌کنیم.^۱



چرا اهل تسنن معتقدند امام زمان علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است؟

وجود روایات فراوان درباره مهدی موعود علیه السلام، اعتقاد به آمدن مهدی را در آخرالزمان، عقیده‌ای مسلم میان مسلمانان قرار داده است؛ اما درباره ولادت آن حضرت، میان شیعه و اکثریت اهل سنت، اختلاف است. عدم اعتقاد بسیاری از اهل سنت به ولادت حضرت مهدی علیه السلام علت‌هایی دارد، از جمله:

۱. مخفی بودن ولادت آن حضرت: آمدن مهدی موعود علیه السلام از صدر اسلام، امری مسلم و مورد توجه مسلمانان بود. سلاطین و حاکمان وقت هم از آن اخبار بی‌اطلاع نبودند و شنیده بودند که مهدی به دنیا خواهد آمد و حکومت ستمکاران را منقرض و تمام زمین را از حکومت حق و عدل پر خواهد کرد؛ به ویژه روایات متعددی که می‌گفت او، نهمین از فرزندان امام حسین علیه السلام است؛ لذا از وجود و ظهور او، در بیم و هراس بودند و در صدد بودند به

۱. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به: *کفایة الموحیدین* نوشته شیخ طبرسی و *الامام المهدی*، اثر سید محمد کاظم قزوینی.

هرگونه این خطر را از حکومت خود دفع کنند؛ به همین سبب، خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام - به شدت تحت کنترل و مراقبت مأموران مخفی و علنی دولت عباسی قرار داشت. حتی معتمد عباسی، به عده‌ای از زنان قابله مأموریت سری داده بود در خانه‌های بنی‌هاشم - به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام - رفت و آمد کنند و مراتب را گزارش دهند. معتمد عباسی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، دستور داد خانه آن حضرت را بازرسی کنند و گروهی از زنان قابله را فرستاد تا تمام کنیزان آن حضرت را معاینه کنند و اگر آبستنی بین آنان دیده شد، بازداشت کنند. حتی به خانه امام عسکری علیه السلام هم اکتفا نکرد و دستور داد تمام خانه‌های شهر را با کمال دقت بازرسی و کنترل کنند^۱. ولادت حضرت مهدی علیه السلام نیز به دلیل وضعیت سخت آن زمان، مخفی بود و امام حسن عسکری علیه السلام فرزند بزرگوار خود را تنها به خواص و معتمدان از شیعیان خود نشان می‌داد و او را امام و حجت بعد از خود معرفی می‌کرد. با این وضعیت، طبیعی است، اهل سنت که از اهل بیت پیامبر علیه السلام فاصله گرفته بودند، از ولادت آن حضرت مطلع نشوند؛

۲. اجتناب از برخی لوازم احتمالی پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام در روایات بسیاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که تعداد امامان و خلفای بعد از من، دوازده نفر است. مجموع روایات

۱. کافی مرحوم کلینی؛ الارشاد مرحوم شیخ مفید.

شیعه و سنی در این باره ۹۲۵ حدیث است. در بسیاری از همین روایات، به نام دوازده نفر تصریح شده و این که اولشان امام علی علیه السلام و آخرشان امام مهدی موعود علیه السلام است و این که نه نفر از آنان، از نسل امام حسین علیه السلام هستند.^۱

با توجه به این احادیث چنین به نظر می‌رسد که پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام از امام حسن عسکری علیه السلام توابعی دارد یعنی، هرچند پذیرش ولادت حضرت مهدی علیه السلام به طور حتم و لزوم، به قبول نظر شیعه در مسأله خلافت و امامت نمی‌انجامد؛ ولی اهل سنت را مقابل انبوهی از روایات قرار می‌دهد که باید در توجیه آن روایات، خود را به زحمت و مشقت بیندازند، لذا از اصل، ولادت آن حضرت را منکر می‌شوند.

۱. در تعدادی از این روایات، نام تمام دوازده نفر، یک به یک ذکر شده است. همچنین در روایات متعددی آمده است که مهدی علیه السلام از اولاد امام علی علیه السلام است (۲۱۴ حدیث) و مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیه السلام است (۱۹۲ حدیث) و امام مهدی علیه السلام نهمین از اولاد امام حسین علیه السلام است (۱۴۸ حدیث) و امام مهدی علیه السلام از اولاد امام محمد باقر علیه السلام است (۱۰۳ حدیث) و امام مهدی علیه السلام ششمین اولاد امام جعفر صادق علیه السلام است (۹۹ حدیث) و این که امام مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است (۱۴۵ حدیث) و نام پدر امام مهدی علیه السلام حسن است (۱۴۸ حدیث). برای اطلاع تفصیلی، مراجعه کنید به کتاب *منتخب الاثر*، نوشته آیت‌الله صافی گلپایگانی که این احادیث را به تفصیل و با ذکر منابع و مصادر شیعی و سنی آن نقل کرده است.



گرایش انجمن حجتیه در گذشته و برنامه‌های آنها را توضیح دهید؟^۱

در گذشته (زمان رژیم پهلوی) دو خطر عمده دین را تهدید می‌کرد:

۱. حزب توده که مرام مارکسیسم را میان جوانان نشر می‌داد که متدینان و ملی‌ها و حتی رژیم پهلوی همه با آن درگیر بودند.
۲. خطر بهائیت که فقط متدینان روی آن حساسیت داشته که پس از شهریور ۱۳۲۰ متوجه شدند آن‌ها در دستگاه پهلوی هم نفوذ کردند که به مبارزه با آن پرداختند. با این وجود به لحاظ حمایت رژیم پهلوی، بهائیت در سطح بالای کشور (نخست‌وزیر، برخی از وزرا و...) نفوذ کردند.

انگیزه تشکیل انجمن: در این اثنا تشکلی مذهبی از اواسط دههٔ سی به هدف مبارزه با بهائیت تهران و سایر شهرستان‌ها پدید آمد. رهبری این تشکل از سال ۱۳۳۲ ق در اختیار یک روحانی قرار گرفت که به جز سوابق حوزوی، در نهضت ملی شدن نفت نیز فعال بود. این تشکل که «انجمن خیریه حجتیه» نامیده شد نه تنها در حوزه مبارزه با بهائیت، بلکه در محدوده وسیع‌تر و حتی بیش از دو دهه در تعمیق بسیاری از آموزش‌های دینی، ولی با برداشتی خاص

۱. این مطالب درباره انجمن حجتیه از کتاب *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی و سیاسی*، نوشته رسول جعفریان ص ۳۶۸ - ۳۷۸ چاپ انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۸۳، استفاده شده است.

در سطح جامعه مذهبی ایران مؤثر بود.

انجمن خیریه حجتیه مهدویه به سال ۱۳۳۲ش با تلاش حاج شیخ محمود تولایی (مشهور به حلبی) فعالیت خود را آغاز کرد، وی در سال ۱۲۸۰ش در شهر مشهد به دنیا آمد. وی دروس حوزوی خود را نزد اساتید به نام مشهد خواند. او افزون بر حضور در دروس خارج اصول فقه به تحصیل دروس معارف الهیه پرداخت که آثاری از او به جای مانده است. کار عمده آقای حلبی پس از شهریور ۱۳۲۰ش تبلیغ در قالب منبر بود و در این کار، مهارت و شهرت خاصی به دست آورد، تا آن جا که چندین سخنرانی وی از رادیو مشهد پخش و بعداً به صورت مجموعه‌ای به چاپ رسید.

در اواخر سال ۱۳۲۸ حلبی همراه جمعی از فعالان مذهبی مشهد و نیز انجمن‌ها و هیئات مذهبی به طور منظم با بهائیان درگیر بودند.

مرحوم حلبی در آستانه ملی شدن صنعت نفت به فعالیت‌های تبلیغی - سیاسی خود افزود و پس از آن، در جریان شکستی که در انتخابات مجلس هجدهم خورد، از فعالیت سیاسی کناره گرفت و دو سال بعد، به تهران آمد و به همان کار خطابه و منبر مشغول شد. وی بخشی از فعالیت خود را به مبارزه با بهائیت اختصاص داد و تا پایان عمر همین مشی را ادامه داد. ایشان، روز جمعه ۲۶ دی ماه ۱۳۷۶ درگذشت و کنار مزار شیخ صدوق (ابن بابویه) در شهر ری به خاک سپرده شد.

مرحوم حلبی با همکاری جمعی از متدینان که با عنوان هیأت

مدیره، امور انجمن را اداره می‌کردند تا آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به فعالیت فرهنگی برضد فرقه بهائیت اشتغال داشت و به تربیت نیرو برای مقابله با بهائیان و تبلیغات آنان اهتمام داشت. انجمن طی ۲۵ سال فعالیت ضمن مبارزه با بهائیت، توانست جمع زیادی از نیروهای جوان را در بسیاری از شهرها به خود جذب کند.

انجمن اساسنامه‌ای داشت؛ از جمله مواد این اساسنامه این بود که «انجمن به هیچ وجه در امور سیاسی مداخله نخواهد داشت و نیز مسؤولیت هر نوع دخالتی را که در زمینه‌های سیاسی از طرف افراد منتسب به انجمن صورت گیرد، به عهده نخواهد داشت». (قابل ذکر است بعدها از این شعار دست برداشته و خلاف آن عمل کردند). این همان بندی بود که انقلابیون پیش و پس از انقلاب از آن ناراحت بودند.

زمینه‌های فعالیت: انجمن در هر شهر دفتری داشت که تحت عنوان بیت (بیت امام زمان) شناخته می‌شد. این بیت، مسؤولی داشت و زیر نظر وی سه گروه تدریس، تحقیق و ارشاد فعالیت می‌کردند. گروه نخست، به آموزش نیروها در سه مرحله ابتدایی، متوسطه و عالی می‌پرداختند. گروه دوم، به دنبال افرادی از مسلمانان بودند که تحت تأثیر بهائی‌ها به آیین آن‌ها گرویده بودند. و گروه سوم، کار ارشاد این افراد را با شیوه‌های خاص خود دنبال می‌کردند.

سخنرانی‌های عمومی در محافلی که بیشتر، منازل بود، برگزار می‌شد و به طور معمول در سالروز تولد امام عصر علیه السلام نیز جشن‌های

بزرگی برگزار می‌شد. بیشتر افرادی که از بهائیت برمی‌گشتند، توبه نامه و تبری نامه‌ای می‌نوشتند که متن بسیاری از آن‌ها در یک مجموعه در کتابخانه آستان قدس نگهداری می‌شود.

وضعیت بعد از انقلاب اسلامی: به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی که به نوعی پیروزی مذهبی‌های سیاسی بود، انجمن به موضع انفعال افتاد و نیروهای تربیت شده در انجمن در سطوح مختلف، پس از انقلاب به سه دسته تقسیم شدند:

۱. برخی به انقلاب اسلامی پیوستند؛
۲. برخی برابر انقلاب بی‌تفاوت ماندند؛
۳. برخی به انتقاد از انقلاب پرداخته و به صف مخالفان - از نوع دیندار - پیوستند...

انجمن، چندی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در شهریور ۱۳۵۷ مواضع خود را در ارتباط با سیاست تغییر داده شروع به همراهی انقلاب کرد. (از جمله مواضع پیش از انقلاب این گروه: انقلاب امر ناممکن است، مگر آن که وابسته به یک قدرت خارجی باشد... همچنین می‌گفتند چه کسی مسؤول خون‌های ریخته شده در جریان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بعد از آن می‌باشد؟)

پس از انقلاب از سوی برخی از رهبران انقلاب، انجمن به عنوان یک عنصر خطرناک معرفی شده و برای جلوگیری از نفوذ آن در مراکز، تبلیغات وسیعی بر ضد آنان شد و به مرور، به حذف شمار زیادی از چهره‌های مذهبی باسابقه منجر شد. طبعاً برخی از سوابق برخورد های منفی رهبران انجمن با جریان انقلاب یک تجربه برای

موضع گیری بر ضد آنان مورد استفاده قرار گرفت، برای نمونه، امام خمینی رحمته الله علیه که در روزگاری آقای حلبی را تایید می کرد، در سال‌های پیش از انقلاب، به تدریج به حرکت انجمن بدبین شده و حمایت خود را قطع کرد. آقای گرامی - فردی که اخبار داخلی ایران را برای نجف می نوشته است - نامه‌ای در این باره به امام نوشته که پاسخ امام رحمته الله علیه این بوده است: «از وقتی که مطلع شدم، دیگر تأییدی نکردم».

این جهت گیری‌ها ادامه پیدا کرد تا سرانجام در اثر بروز انحرافات میان برخی از افراد انجمن (از قبیل کج اندیشی درباره خون شهیدان و شهید ندانستن کشته‌های جنگ تحمیلی و...) امام خمینی رحمته الله علیه در سخنرانی عید فطر سال ۱۳۶۲ بدون تصریح به نام انجمن، هشدارهای تکان دهنده دادند و در ضمن از ایشان خواسته شد که انحرافات خود را کنار بگذارند.

انجمن در سال ۱۳۶۲ رسماً تعطیلی خود را اعلام کرد و ضمن آن توضیح داد که خود را مصداق سخنان رهبر انقلاب نمی داند. بدین ترتیب انجمن منحل شد.

فصل دوم

مهدی شناسی



چگونه می‌توانیم سطح فکری و اعتقادی خود را در ارتباط با امام عصر عجل الله تعالی فرجه بالاتر برده و عمیق‌تر کنیم؟

- برای بالا بردن سطح فکری و اعتقادی به دو کار نیاز است:
۱. مطالعه: مطالعه کتاب‌ها و گفت و گو با اندیشوران و صاحبان علم و فکر و تدبر در آن‌ها.
 ۲. توجه به خدا: توجه به حضرت حق و دعا و انابه به درگاه او و توجه به وظایف دینی، تا دل روشن و پاک گردد و بتواند تجلی‌گاه انوار و معارف حق باشد. این انوار، هم الهامات الهی را شامل می‌شود و هم تفکر.



خلاصه‌ای از زندگی امام مهدی علیه السلام را تشریح کنید؟

آخرین امام شیعیان و دوازدهمین جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق در سامرا - یکی از شهرهای عراق - دیده به جهان گشود. پدر گرامی او، پیشوای یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام و مادر بزرگوار آن حضرت بانویی شایسته به نام «نرجس» بود. نام و کنیه امام زمان علیه السلام همان نام و کنیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و لقب‌های مشهور آن حضرت عبارت است از: مهدی (هدایت شده‌ای که مردم را به حق می‌خواند)، قائم (قیام برای حق می‌کند)، منتظر (همه، در انتظار مقدم اویند)، بقیة الله (باقی مانده حجت‌های خدا و آخرین ذخیره او)، صاحب الزمان و ولی عصر (حاکم و فرمانروای یگانه زمان).

با توجه به این که فرمانروایان ستمگر عباسی به دنبال قتل آن بزرگوار بودند، لذا ولادت آن حضرت پنهانی بود. حتی نزدیکان امام عسکری علیه السلام نیز از ولادت او بی‌اطلاع بودند. حکیمه خاتون (عمه بزرگوار امام یازدهم) که بزرگ بانوان حرم اهل بیت علیهم السلام بود نیز در شب نیمه شعبان و چند ساعت پیش از ولادت، از واقع شدن این امر بزرگ آگاه شد و این، بدان سبب بود که اثر حمل و نشانه بارداری در نرجس خاتون، به قدرت خدا، دیده نمی‌شد.

در روایات، شمایل و اوصاف حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است از

جمله: چهره‌ای گندمگون، پیشانی بلند، ابروان هلالی، چشمان سیاه و درشت و... او اهل عبادت و شب زنده‌داری، زهد و پارسایی، صبر و بردباری، عدالت و نیکوکاری و... است.

زندگی آن حضرت شامل سه دوره پرفراز و نشیب است:

دوران اختفا: زندگی پنهانی آن حضرت که از آغاز ولادت تا شهادت پدر را شامل می‌شود. در این دوران امام حسن عسکری علیه السلام با نوشتن نامه و دادن عقیقه، نزدیکان و خواص را از ولادت امام مهدی علیه السلام آگاه کرد.^۱

در این دوره، برخی افراد، به دیدار امام زمان علیه السلام موفق شدند. محمد بن عثمان که یکی از بزرگان شیعه است، می‌گوید: چهل نفر از شیعیان، نزد امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت، فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «پس از من این، امام شما و جانشین من است. از او فرمان ببرید و بعد از من، در دین خود پراکنده نشوید که هلاک می‌شوید».^۲

دوران غیبت: این زمان، از هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام شروع می‌شود و تا ظهور ادامه دارد. علت غیبت آن حضرت، به روشنی معلوم نیست؛ ولی از حکمت‌های آن، نجات از قتل و امتحان مردم است.

غیبت آن حضرت دو مرحله دارد:

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۲، ح ۱۰.

۲. همان، ب ۴۳، ح ۲.

الف. غیبت کوتاه مدت (صغرا) که از سال ۲۶۰ (هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام) تا سال ۳۲۹ یعنی حدود هفتاد سال طول کشید.

مهم‌ترین ویژگی این دوره، آن است که مردم، از طریق نایبان خاص، یعنی عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان بن سعید عمری، حسین بن روح و علی بن محمد سمري، با امام مهدی علیه السلام در ارتباط بودند و به وسیله آنان، سؤالات خود را می‌پرسیدند و پیام‌ها و پاسخ‌های حضرت را دریافت می‌کردند. در این دوره نیز برخی از ارادتمندان، موفق به دیدار حضرت شدند.

ب. غیبت بلند مدت (کبرا): در آخرین روزهای عمر نایب چهارم، امام زمان علیه السلام در نامه‌ای خطاب به او، خبر رحلت او را تا شش روز دیگر اعلام می‌کند. امام، از او می‌خواهد که دیگر فردی را به عنوان نایب خاص معرفی نکند. بدین گونه دوران غیبت کبرا شروع شد.

امام، در این دوره، عالمان و فقیهان را به عنوان نایبان عام به مردم معرفی کرد و از آنان خواست که در امور خود به عالمان رجوع کنند.^۱

البته باید توجه داشت هر چند امام در پرده غیبت قرار دارد؛ مردم همچنان از شمع وجود او بهره می‌برند. در روایت مشهور از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خود حضرت مهدی علیه السلام «امام غایب» به خورشید پشت ابر تشبیه شده است که مردم از آن بهره می‌برند.

در این دوران پرفراز و نشیب، مردم باید در انتظار مقدم او باشند

۱. همان، ب، ۴۵، ح ۴۵.

۲. همان، باب ۲۳، ح ۳.

۳. همان، ب، ۴۵، ح ۴.

و به وظیفه یک منتظر واقعی عمل کنند و برای ظهور، زمینه‌سازی بکنند. در این دوران برخی نیز موفق به دیدار آن عزیز شدند که نمونه آن، تشرف حاج علی بغدادی است که در کتاب *مفاتیح الجنان* ذکر شده است.

دوران ظهور: این دوره، از ظهور حضرت تا رحلت ایشان را شامل می‌شود. پس از آن که شرایط ظهور فراهم گشت و علایم ظهور؛ مانند خروج سفیانی و ندای آسمانی پدیدار شد، آن یگانه دوران، در مکه ظاهر می‌شود و همراه یاران، در مسجد الحرام، ظهور خود را اعلام می‌دارد. پس از سیطره بر مکه و اصلاح امور، به طرف مدینه و سایر نقاط به حرکت در می‌آید و با پاکسازی جهان از ظلم و شرک، عدل و دین را بر این زمین خسته از سیاهی می‌گستراند. در این دوران است که زمین، خرم و آباد می‌گردد و برکاتش را به مردم ارزانی می‌دارد.



ویژگی‌های حضرت مهدی چیست؟

از امام حسین علیه السلام نقل شده است:

تعرفون المهدی بالسکينة و الوقار و بمعرفة الحلال و الحرام و بحاجة الناس اليه و لا يحتاج الى احد؛ مهدی

را با آرامش و وقار و شناخت حلال و حرام و نیاز
همگان به او و بی‌نیازی او از دیگران خواهید شناخت.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

فوالله ما لباسه الا الغلیظ و لا طعامه الا الجشب^۱؛ به خدا
سوگند! لباس او جز پارچه‌ای زبر و خشن و غذای او،
جز غذای ساده نیست.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

یکون اعلم الناس و احکم الناس و اتقی الناس و اسخی
الناس و اعبد الناس^۲؛ او عالم‌ترین مردم و حکیم‌ترین
مردم و با تقواترین مردم، و سخی‌ترین مردم و عابدترین
مردم است.

صاحب کتاب *بشارة المصطفی* از لیث بن طاوس نقل می‌کند که:

المهدی سَمح بالمال رحیم بالمساکین، شدید علی
العمال^۳؛ مهدی، بخشنده‌ای است که مال را به وفور
می‌بخشد، بر کارگزاران و مسؤولین دولت خویش بسیار
سختگیر و بر بینوایان بسیار رؤوف و مهربان است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۲. معانی الأخبار، ص ۱۰۲.

۳. بشارة المصطفی، ص ۲۰۷.



چگونه حضرت که در یک مکان است، ناظر همه جا می‌باشد؟

باید دانست که حاضر و ناظر دانستن امام به این معنا نیست که امام با چشم سر، افراد را نگاه می‌کند؛ همان‌گونه که شاهد و ناظر بودن خدا نیز شهود و دیدن مادی نیست. بلکه امام دارای حقیقت وجودی بسیار بلندی است که مربوط به گستره این عالم مادی نیست. در بسیاری از اخبار، برای پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام غیر از آنچه که ما آن را نفس و روح می‌نامیم، مقامی والاتر اثبات شده و آن مقام نورانیت است. در روایتی نقل شده است «نخستین چیزی که خدای متعال آفرید، نور پیامبر اکرم و امامان بود»^۱. در روایت دیگر آمده است: «خداوند در آغاز، نور محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را خلق کرد»^۲ و در روایتی دیگر بیان شده است: «خداوند، از نور عظمت خویش، آنان را آفرید»^۳.

آفرینش از نور خدا، چندان برای ما روشن نیست، ولی می‌توان گفت غیر مادی و مقامی بس بلند است. این مقام نورانیت، چون محیط و دربردارنده زمان‌ها و مکان‌ها است، بر همه چیز احاطه

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۲.

۲. همان، ج ۵۴، ص ۱۷۰.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۴.

وجودی دارد و نمونه و مثلی است برای علم الهی؛ یعنی همان گونه که خدای متعال بر همه ما سوای خویش، احاطه حضوری دارد و این، به زمان و مکان ربطی ندارد، آن‌ها نیز که مظهر تام اسمای الهی‌اند و علمشان هم مظهر علم الهی است، به موجودات احاطه حضوری دارند. بر این اساس، استقرار حضرت در مکانی از مکان‌های این کره خاکی، با شاهد و ناظر بودن او منافاتی ندارد. استقرار برای بدن مادی است و شاهد و ناظر بودن، مربوط به مقام نورانیت و روح مظهر آنان که وسعت وجودی دارد می‌باشد.^۱



لطفاً در مورد آیات و روایاتی که در مورد عرضه کردن اعمال ما به ائمه صحبت می‌کنند کمی توضیح دهید؟

خدای سبحان در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولِهِ و

الْمُؤْمِنُونَ﴾^۲؛ بگو: عمل کنید، خداوند و فرستاده او و

مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند....

از طرفی، نبی مکرم اسلام ﷺ شاهد و گواه امت است: «یا ایها النبی

۱. معارف قرآن، بحث انسان‌شناسی، ص ۴۱۱ و ۴۱۲.

۲. توبه (۹): ۱۰۵.

إنا أرسلناك شاهداً^۱؛ و «فكيف إذا جئنا من كل أمة بشهيد و جئنا بك على هؤلاء شهيداً^۲».

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید:

هر عملی که انسان انجام می دهد، از خیر یا شر، خدا و رسولش و مؤمنان، حقیقت عمل خیر یا عمل شر را مشاهده می کند.^۳

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

در هر بامداد، کردار بندگان نیکوکار و فاسق بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه می شود؛ پس بر حذر باشید از کردار ناشایست. همین است معنای قول خدای تعالی «قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله...»^۴.

همین طور در تفسیر آیه شریف ۵ سورة بقره که از نزول ملائکه و روح صحبت می کند، مفسرین با استدلالات عقلی و نقلی بیان می کنند که کسی جز وجود مقدس حضرت ولی عصر و حجت خدا نمی تواند محل نزول ملائکه باشد که امور بندگان به او عرضه می شود.

از امام رضا علیه السلام هم روایت شده است:

«و الله انّ اعمالکم لتعرض علیّ فی کلّ یوم و لیلة»؛ به

۱. احزاب (۳/۳): ۴۵؛ «ای پیامبر ما تو را گواه فرستادیم».

۲. نساء (۴): ۴۱؛ «حال آنان چگونه است آن روز که برای هر امت، گواهی بر اعمالشان می طلبیم و تو را گواه بر اعمال آنان قرار خواهیم داد»

۳. المیزان، ج ۹، ص ۳۹۸.

۴. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می‌شود.^۱

بنابراین پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام از حقیقت اعمال بندگان با خبر هستند و اعمال آنان را مشاهده می‌کنند.



آیا موقع گناه، امامان علیهم‌السلام ناظر اعمال ما هستند و آیا اعمال ما به امام عصر علیهم‌السلام عرضه می‌شود؟ اگر این چنین باشد، لقب «ستار العیوب» بودن خدا برای چیست؟

معنای ستار بودن خدا، آن است که اعمال انسان‌ها را از دیگر انسان‌ها می‌پوشاند تا آبروی آنان حفظ گردد. پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام مظهر اسما و صفات الهی هستند. همان‌گونه که خداوند، ناظر بر اعمال مردم است، پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام نیز چشم خدا میان خلق هستند و اعمال آنان را می‌بینند.^۲

ضمن آن که نظارت پیامبر ﷺ و امام علیهم‌السلام بر اعمال مردم، همانند نظارت خداوند، آثار سازنده فراوانی دارد؛ یعنی همان‌گونه که

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۲۰؛ همان‌طور که می‌دانید در شؤون امامت فرقی بین امام رضا علیهم‌السلام و امام زمان علیهم‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام نیست.

۲. آن روایتی که فرموده است خدا، اعمال را حتی از چشم پیامبر ﷺ مخفی می‌کند، به مواردی خاص اشاره دارد، تا رحمت بیکران الهی را به تصویر کشد.

ستّاریت پروردگار، برای تربیت و رشد مردم است، عرضه اعمال مردم بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام نیز در همین جهت است؛ زیرا آنان، هادیان امت از طرف خداوند و فیض الهی از طریق آن بزرگواران بر بندگان نازل می‌شود؛ بنابراین، هیچ تنافی و تناقضی مشاهده نمی‌شود.

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

خداوند متعال که ستّار العیوب است، می‌داند کجا ستّاری بکند و کجا ستّاری نکند. اگر کسی ستّار عیوب دیگران باشد و در عین حال مخفیانه مرتکب گناهی شود، ذات اقدس اله اجازه نخواهد داد اسرارش نزد دیگران افشا شود. حتی در قیامت خداوند اجازه نمی‌دهد کسانی که کنار یک‌دیگرند از اعمال هم باخبر شوند؛ بنابراین، عملکرد خود شخص بسیار مهم است. اگر کسی پرده دیگران را نَدَرَد و آشکارا به گناه دست نیازد، خداوند پرده‌اش را نمی‌درد. بر این اساس، کسی که با قلم و بیان و اندیشه‌های ناصواب خود، آبروی دین خدا و مردم را می‌برد، به جایی می‌رسد که شایسته نیست خداوند متعال آبروی او را حفظ کند. در این موقعیت، خدای سبحان اجازه می‌دهد صاحب‌دلان ببینند او چه کرده است و حتی احتمال دارد در قیامت، مقابل دیگران رسوا شود.^۱

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۲، ص ۵۶.

۱۵

این که امام زمان علیه السلام بر طبق روایاتی، دارای زن و فرزند هست، از نظر سند معتبر است یا نه؟

دلیل معتبری نداریم که موضوع ازدواج حضرت مهدی علیه السلام و وجود فرزند برای آن حضرت را به طور قطع، اثبات یا نفی کند. البته، بعضی برای اثبات ازدواج حضرت دلیل آورده‌اند که ازدواج، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و امام مهدی علیه السلام، حتماً به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل می‌کند؛ ولی باید گفت، آن حضرت، در شرایط غیبت به سر می‌برد که یک زندگی استثنایی است؛ بنابراین، امکان دارد ازدواج را تا عادی شدن زندگی خود، به تاخیر بیندازند.

در عین حال، اگر حضرت، در همه عمر شریف خود یک بار هم ازدواج کرده باشد و در زمانی محدود، همسری داشته باشد، به سنت نبوی عمل کرده است. و لزومی ندارد همیشه، همسر و فرزندی داشته باشد.

روایات و ادعیه‌ای که برخی به آن‌ها استناد می‌کنند و برای حضرت فرزندی را می‌شمارند، در مواردی، به دو صورت است؛ در یک روایت، کلمه «ولد» (فرزند) ذکر شده و در روایتی دیگر، کلمه «ولی» (ملازم). به علاوه، معمول آن‌ها، قابل حمل و تطبیق به زمان ظهور است. برخی، استنادشان به جزیره خضرا و مانند آن است که اصل چنین قضایی، بسیار محلّ نظر و تأمل است (که در محل

خود به آن اشاره شده است).

در مقابل، برخی دیگر، ازدواج و همسر و فرزند داشتن را منافی با امر غیبت و از لحاظ اجتماعی، قابل سوء استفاده دانسته‌اند. همچنین در روایتی نقل شده: به امام رضا علیه السلام عرض کردند: «برای ما روایت شده که امام از دنیا نمی‌رود، تا آن که نسل خود را ببیند». حضرت فرمود: آیا درباره این حدیث گفته نشده است که: «به جز قائم»^۱.

بنابراین، در باره ازدواج و همسر و فرزند داشتن حضرت یا نفی آن، به صورت قاطع، نمی‌توان سخن گفت. علاوه بر این که این مسأله، یکی از مباحث فرعی در میان مباحث مهدویت است که اطلاع نداشتن از آن، ضرری ندارد و پی‌گیری آن نیز ثمری ندارد.



محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام در دوره غیبت کجا است؟ آیا داستان جزیره خضرا واقعیت دارد؟

آنچه درباره محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام گفته می‌شود، براساس حدس و گمان است؛ زیرا غیبت امام، خود دلیل روشنی بر آن است که مکان شناخته شده‌ای برای آن حضرت، وجود ندارد. داستان جزیره خضرا که در *بحار الأنوار* آمده است، اعتباری ندارد.

۱. اثبات الوصیة، ج ۳، مؤسسه انصاریان، ص ۲۰۸.

و عالمان و کارشناسان دینی، آن را رد کرده‌اند و دلائل سستی و بی‌اعتباری آن را بیان کرده‌اند.^۱ در این داستان، ادعا شده است که امام مهدی عجله الله تعالی فرجه و فرزندانش، در جزیره‌ای سبز و خرم زندگی می‌کنند. این مطلب، با آنچه درباره امامان معصوم علیهم السلام شنیده‌ایم، از همراهی و همسانی با شیعیان که در سختی‌ها و رنج‌ها زندگی می‌کنند، سازگاری ندارد. نیز این داستان مشتمل بر مطالبی متناقض و متضاد است و در آن سخن از تحریف قرآن به میان آمده است. به علاوه، راوی این داستان نیز ناشناس است. مرحوم مجلسی، خود می‌گوید داستان جزیره خضرا را در کتب معتبر نیافتیم.^۲

مقابل داستان فوق، روایاتی داریم که می‌گوید آن حضرت، میان مردم زندگی می‌کند و در راه‌های آن‌ها قدم می‌گذارد و بر فرش‌های آنان، پا می‌نهد. این‌ها، حاکی از حضور مداوم و مستمر حضرت در میان شیعیان است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: سوگند به خدای علی! حجت خدا، میان مردم هست و در راه‌ها گام بر می‌دارد؛ به خانه‌های آن‌ها سر می‌زند و در شرق و غرب زمین، رفت و آمد می‌کند. گفتار مردم را می‌شنود و بر ایشان سلام می‌کند و می‌بیند و دیده نمی‌شود، تا وقت معین و وعده الهی.^۳

۱. دادگستر جهان، ابراهیم امینی و جزیره خضرا، افسانه یا واقعیت، ترجمه و تحقیق: ابوالفضل طریقه‌دار.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۹.

۳. الغیبه، نعمانی، باب ۱۰، حدیث ۳، ص ۱۴۴.



چطور ممکن است امام مهدی علیه السلام دارای عمری چنین طولانی باشد؟

این امر از چند جهت قابل بررسی است:

– دیدگاه علوم تجربی: عمر طولانی از نظر عقل و دانش بشری، امری غیر ممکن نیست و دانشمندان، با مطالعه اجزای بدن، به این حقیقت رسیده‌اند که ممکن است انسان، سال‌های بسیار طولانی زنده بماند و حتی گرفتار پیری و فرسودگی هم نشود.
برنارد شاو می‌گوید:

از اصول علمی مورد پذیرش همه دانشمندان بیولوژیست، این است که برای عمر بشر، نمی‌توان حدی تعیین کرد و حتی دیرزیستی نیز مسأله مرزناپذیری است.^۱

پروفسور اتینگر می‌نویسد:

به نظر من با پیشرفت تکنیک‌ها و کاری که ما شروع کرده‌ایم، بشر قرن بیست و یکم خواهد توانست هزاران سال عمر کند.^۲

– بیان کتب و ادیان آسمانی: عمر طولانی در گذشته تاریخ

۱. راز طول عمر امام زمان علیه السلام، ص ۱۳.

۲. مجله دانشمندان، سال ۶ ش ۶ ص ۱۴۷.

انسان‌ها بارها تجربه شده است و در کتاب‌های آسمانی و تاریخی، انسان‌های زیادی با نام و نشان و شرح حال یاد شده‌اند که مدت عمر آن‌ها بسیار درازتر از عمر بشر امروز بوده است؛ برای نمونه چند مورد را بیان می‌کنیم:

۱. در قرآن، آیه‌ای هست که نه تنها از عمر طولانی، بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می‌دهد و آن آیه درباره حضرت یونس علیه السلام است که می‌فرماید:

اگر او [یونس علیه السلام] در شکم ماهی تسبیح نمی‌گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می‌ماند.^۱

با توجه به این آیه شریف، عمر بسیار طولانی (از عصر یونس علیه السلام تا روز رستاخیز) که در اصطلاح زیست‌شناسان، عمر جاویدان نامیده می‌شود، برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان‌پذیر است.

۲. قرآن کریم درباره حضرت نوح علیه السلام می‌فرماید:
به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس ۹۵۰ سال میان آن‌ها درنگ کرد.^۲

آنچه در این آیه شریف آمده است، مدت پیامبری آن حضرت است و براساس برخی روایات، عمر آن بزرگوار ۲۴۵۰ سال طول کشیده است.^۳

۳. قرآن درباره حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

۱. صافات (۳۷): ۱۴۴.

۲. عنکبوت (۲۹): ۱۴.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۶، ح ۳.

... و هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند؛ بلکه امر به آن‌ها مشتبه شد... به یقین او را نکشتند؛ بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد که خداوند، توانا و فرزانه است.^۱

همه مسلمانان به استناد قرآن و احادیث فراوان معتقدند عیسی علیه السلام زنده و در آسمان‌ها است و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرود آمده، او را یاری خواهد کرد. علاوه بر قرآن، در تورات و انجیل نیز سخن از دراز عمران مطرح گردیده است. در تورات آمده است:

... تمام ایام «آدم» که زیست، ۹۳۰ سال بود که مُرد...
جمله ایام «انوش» ۹۰۵ سال بود که مُرد... و تمام ایام «قینان» ۹۱۰ سال بود که مُرد... پس جمله ایام «متوشالچ» ۹۶۹ سال بود که مُرد...^۲

در *انجیل* نیز عباراتی موجود است که نشانگر آن است که عیسی علیه السلام پس از به دار کشیده شدن، زنده گردیده و به آسمان رفته است و در روزگاری فرود خواهد آمد.^۳ مسلم است که عمر آن بزرگوار از دو هزار سال بیشتر است.

— قدرت الهی: گذشته از این که طول عمر، از نظر علمی و عقلی

۱. نساء (۴): ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲. *زنده روزگاران*، ص ۱۳۲ به نقل از تورات - ترجمه فاضل خانی - سیفر پیدایش، باب پنجم، آیات ۵ - ۳۲.

۳. همان، ص ۱۳۴ به نقل از عهد جدید، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱ - ۱۲.

پذیرفتنی است و در گذشته تاریخ، موارد بسیار دارد، در مقیاس قدرت بی‌نهایت خداوند نیز قابل اثبات است. به اعتقاد همه پیروان ادیان آسمانی، تمام ذرات عالم در اختیار خداوند است و تأثیر همه سبب‌ها و علّت‌ها به اراده او بستگی دارد. اگر او نخواهد، سبب‌ها از تأثیر باز می‌ماند و نیز بدون سبب و علّت طبیعی، ایجاد می‌کند و می‌آفریند. او خدایی است که از دل کوه، شتری بیرون می‌آورد و آتش سوزنده را بر ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت می‌سازد^۱ و دریا را برای موسی و پیروانش خشک می‌کند و آن‌ها را از میان دو دیوار آبی عبور می‌دهد.^۲ آیا از این که به عصاره انبیا و اولیا و آخرین ذخیره الهی و نهایت آمال و آرزوی همه نیکان و تحقق‌بخش وعده بزرگ قرآن را عمری طولانی بدهد، ناتوان خواهد بود؟!



آیا عمر طولانی از نظر عقل امکان‌پذیر است؟

همه امور، از دیدگاه عقل به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:
الف. امور عادی: اموری که طبق روند طبیعی شناخته شده تحقق می‌یابند.

ب. امور محال: اموری که امکان پیدایش آن‌ها نیست؛ زیرا شرایط

۱. انبیا (۲۱): ۶۹

۲. شعرا (۲۶): ۶۳

تحقق پدیده در آن‌ها موجود نمی‌باشد. باید توجه داشت که امور محال نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. محال عقلی: امری که از نظر عقل، به هیچ عنوان موجود نمی‌شود؛ زیرا به تناقض می‌انجامد.

۲. محال عادی: امری که تحقق آن، در حالت عادی محال است؛ ولی عقل پیدایش آن را نفی نمی‌کند؛ مانند معجزاتی که از انبیای گرامی صادر می‌شد. این گونه امور، چون دارای شرایط و زمینه‌های شناخته شده نیستند به صورت عادی محال است موجود شوند؛ ولی با وجود علل و شرایط خاص، عقل پیدایش آن‌ها را ممکن می‌داند (البته این دیدگاه، تبیین دیگری از قدرت خدا است).^۱

بنابراین جریان طول عمر امام دوازدهم علیه السلام، نیز از جمله امور محال عادی و به عبارت دیگر خرق عادت است و علم نمی‌تواند خرق عادت را نفی کند در این زمینه مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله می‌فرماید:

کسی که به اخباری که در خصوص امام غایب از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه اهل بیت علیهم السلام وارد شده مراجعه نماید، خواهد دید نوع زندگی امام غایب را به طریق خرق عادت معرفی می‌کنند. البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد؛ زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و

۱. ر.ک: نگین/فرینش، ص ۹۴-۹۸، جمعی از نویسندگان، مرکز تخصصی مهدویت.

عواملی که در جهان کار می‌کنند تنها همانها هستند که ما آنها را دیده‌ایم و می‌شناسیم و دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم، یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم، یا نفهمیده‌ایم، وجود ندارد. از این روی ممکن است در فردی یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید و از اینجاست که جهان پزشکی تا کنون از پیدا کردن راهی برای عمرهای بسیار طولانی، نومید و مأیوس نشده است.^۱

۱. شیعه در اسلام؛ علامه طباطبائی، بخش سوم، ص ۲۳۵.

فصل سوم

امام مهدی عَجَّالُ الْمُنْتَهَى
قُرْجَمُ الشُّرُوفِ در قرآن

قرآن کریم برای معرفی افراد از چه روشهایی استفاده کرده است؟

قرآن کریم، در جایگاه قانون اساسی اسلام، در موارد متعدد، کلیات مسائل اسلامی را مطرح کرده است و بیان بسیاری از حقایق را به پیامبر ﷺ و جانشینان او واگذار کرده است و صریحاً، پیامبر ﷺ را مبین و مفسر قرآن معرفی کرده است:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾؛ قرآن را بر تو نازل کردیم، تا آنچه را بر مردم نازل شده است، برای آنان بیان کنی.^۱

نکته لطیف این که خداوند از کلمه «تبیین» استفاده کرده است که به معنای توضیح و تفسیر است، نه از الفاظی مانند قرائت و تلاوت که به معنای خواندن است.

۱. نحل (۱۶): ۴۴.

خداوند، در قرآن کریم برای معرفی افراد از روش‌های مختلفی استفاده کرده است؛ برای نمونه:

الف. معرفی به نام: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^۱؛ «محمد ﷺ پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه است».

ب. معرفی با عدد: ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾^۲؛ «خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از آن‌ها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم».

ج. معرفی با صفت: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾^۳؛ همانا که از فرستاده (خدا) پیامبر امی پیروی کنید؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند: آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد...».

۱. احزاب (۳۳): ۴۰.

۲. مائده (۵): ۱۲.

۳. اعراف (۷): ۱۵۷.



با توجه به اینکه نام پیامبر عجل الله تعالی فرجه در تورات ذکر شده است، چرا نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به صورت صریح در قرآن نیامده است؟

غیر از وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه موارد فراوان دیگری هست که در قرآن به صراحت از آن‌ها سخن به میان نیامده است. این که نام پیامبر اسلام ص با صراحت در تورات آمده است، دلیل بر این نیست که باید نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه هم در قرآن با صراحت بیاید؛ چون، ممکن است همان‌گونه که آن‌جا مصلحت در ذکر صریح نام پیامبر ص بود، این‌جا مصلحت در عدم تصریح به نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد، اگر چه با تصریح نام نیز مشکل حق‌ستیزان حل نمی‌شود؛ چنان که بشارت پیامبر در تورات و انجیل آمد؛ ولی بسیاری از اهل کتاب ایمان نیاوردند. مخالفت بنی اسرائیل با پیامبر زمان خود درباره فرماندهی طالوت^۱ دلیل دیگری است بر این که ذکر «نام» همه جا و همیشه اختلاف را از بین نمی‌برد. بنی اسرائیل در مخالفتی آشکار با پیامبرشان - با این که نام فرمانده به صراحت گفته شده بود - گفتند:

﴿أَنِّي يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ﴾^۲؛ چگونه او فرمانروای ما

۱. بقره (۲): ۲۴۶-۲۵۲.

۲. بقره (۲): ۲۴۷.

باشد. با این که ما برای فرمانروایی از او سزاوارتریم و به او مال گسترده‌ای هم داده نشده است».

برخی از بزرگان گفته‌اند اگر نام امام مهدی علیه السلام یا سایر امامان، با صراحت در قرآن ذکر می‌شد، انگیزه مخالفان برای تحریف قرآن، فراوان می‌شد و این سند جاوید الهی، در خطر تحریف قرار می‌گرفت. به علاوه این گونه نیست که تنها راه بیان حقایق، تصریح به اسم و رسم آن‌ها باشد؛ بلکه در بسیاری از موارد، با بیان ویژگی‌های یک حقیقت، البته به صورتی آشکار و روشن، می‌توان حقیقتی را به دیگران معرفی کرد. قرآن کریم، در مسأله امامت و ولایت و نیز مهدویت و حکومت عدل جهانی، از این شیوه بهره گرفته است. در آیات متعدد، ولایت پس از پیامبر^۱ و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام^۲ را در قالب بیان ویژگی‌ها و صفات، بیان کرده است. بعضی از آن‌ها عبارت است از:

«به تحقیق در زبور، از پس تورات نوشتیم که مسلماً، زمین را بندگان صالح من، به ارث خواهند برد. به یقین، در این سخن، پیام رسایی است برای قومی که بندگان خداوند».^۳

«خداوند، کسانی از شما را که ایمان آوردند و عمل

۱. مائده (۵): ۵۵.

۲. نور (۲۴): ۵۵.

۳. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَابِطِينَ»؛ انبیا (۲۱): ۱۰۵ و ۱۰۶.

صالح انجام دادند، وعده فرمود که آنان را قطعاً در زمین به خلافت خواهد گمارد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند به خلافت گمارد و قطعاً برایشان دیشان را مستقر خواهد کرد؛ دینی که آن را برای‌شان پذیرفت و آنان را از پس خوفشان به حالت امنیت، دگرگون می‌کند؛ آن چنان که مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس بعد از آن کفر ورزد، قطعاً آنان فاسقند».^۱



آیا واسطه فیض بودن امام زمان علیه السلام، در نعمت‌ها و در عالم وجود غیر از روایات، ریشه قرآنی هم دارد؟

در این باره به مباحثی می‌توان اشاره کرد:

شفاعت

یکی از معارفی که قرآن در آیات فراوان به آن اشاره می‌فرماید، شفاعت است. معنای شفیع، واسطه است. خداوند، میان خود و موجودات دیگر، شفیعان یا به اصطلاح واسطه‌هایی را قرار داده است.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ نور (۲۴): ۵۵.

علامه طباطبائی رحمته الله، در بیان معنای شفاعت می‌فرماید:

شفاعت، دو قسم است: تکوینی و تشریعی. شفاعت تکوینی، از تمام اسباب وجودی سر می‌زند و همه اسباب، نزد خداوند، شفیع هستند؛ چون، میان خدا و مسبب خود واسطه‌اند، اما شفاعت تشریعی که در دایره تکلیف و مجازات واقع است، خود، دو نوع است: شفاعت در دنیا و شفاعت در قیامت که باعث آمرزش گناهان و قرب به خدا می‌شود.^۱

با توجه به این مطلب، آیاتی که در آن‌ها به شفاعت و سببیت اشاره شده است، واسطه فیض بودن را می‌رساند. البته این واسطه فیض بودن، شامل همه موجودات است که مصداق کامل آن، امامان علیهم‌السلام هستند؛ زیرا آنان، از نظر قدرت وجودی و قرب به خداوند، از همه موجودات بالاتر هستند؛ خداوند می‌فرماید:

«سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده‌ای، جز با اذن او نیست».^۲

همچنین:

«آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست: کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟

۱. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»؛ یونس (۱۰): ۳.

(بنابراین، شفاعتِ شفاعت کنندگان برای آنها که شایسته شفاعتند از مالکیت او نمی‌کاهد).^۱

مرحوم علامه طباطبائی تصریح می‌فرماید که منظور از این دو آیه، شفاعت تکوینی است^۲ در ذیل آیه دوم در تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که منظور از این شفیعان، ما هستیم، پس هر خیر و خوبی که به ما می‌رسد، با شفاعت و وساطت و سببیت امامان است. وقتی دعا می‌کنیم، امامان، مریض ما را شفا می‌دهند؛ یعنی در حقیقت، آنان در عالمِ تکوین تصرف می‌کنند و این بهبودی را از خداوند متعال می‌گیرند و این هم نوعی وساطت در فیض است. فرشتگان که در آیات فراونی، واسطه بین خداوند و موجودات دیگر معرفی شده‌اند، سجده بر انسان کامل می‌کنند و این خود، نشانه مقام بلند انسان کامل است. طبیعی است هر موجود قوی‌تر و نزدیک‌تر به خداوند، سبب و واسطه میان خدا و موجودات پایین‌تر است؛ پس انسان کامل، واسطه میان فرشتگان و خداوند است و این واسطه بودن، همان واسطه بودن در وجود و فیض هستی است.

نورانیت

خداوند، می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ خداوند، نور آسمان‌ها و

زمین است.^۳

۱. «لَلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» بقره (۲): ۲۲۵.

۲. ترجمه/المیزان، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. نور (۲۴): ۳۵.

در تفسیر این آیه، مرحوم طباطبایی می‌فرماید:
«ظهور اشیا به نور الهی، عین وجود یافتن آن‌ها است».^۱

ادامه آیه می‌فرماید:

﴿مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ...﴾؛ «مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که...».

این آیه، ثابت می‌کند، نور خداوند، مثلی دارد و در روایت ذیل این آیه،
مَثَل به اهل بیت علیهم‌السلام تطبیق داده شده است.^۲

نیز خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۳؛ زمین به نور پروردگارش روشن شد».

در تفسیر این آیه، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که «رب الارض»، یعنی امام الارض^۴ و منظور از «ربّها» در آیه، امام هر عصر است.

در زیارت جامعه کبیره نیز چنین آمده است:

«و اشرق الارض بنورکم؛ زمین، به نور شما اهل بیت، روشن شد».

با توجه به این موارد، می‌توان نتیجه گرفت خداوند، خالق و به وجود آورنده همه موجودات است؛ اما این فیض وجود، به اذن الله،

۱. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳. زمر (۳۹): ۶۹.

۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳.

توسط امامان، به ماسوی الله می‌رسد؛ همان گونه که ربوبیت حضرت حق نیز از طریق امامان علیهم السلام، تحقق می‌یابد.

فصل چهارم

انتظار و منتظران



مقصود از انتظار فرج چیست؟

فرج، یعنی نصرت، پیروزی و گشایش. مقصود از فرج، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک و بی‌داد است؛ بنابراین، انتظار فرج، یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی.

منتظر حقیقی، کسی است که به حقیقت‌خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد.

این خواسته، آن گاه جدی و راست است که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گر نه انتظار فرج، در حد یک ادعا و شعار بی‌محتوا باقی خواهد بود؛ از این رو، در روایات آمده است که انتظار فرج، خود، فرج است؛ زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تاسیس حکومت عدل گستر او است، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد. او، انسانی

است که حضور و غیبت امام، در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ایجاد نمی‌کند و پیش از تشکیل حکومت عدل او، چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است.

انتظار فرج، یعنی:

- معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت؛

- عشق به عدالت و ارزش‌های انسانی؛

- امید به آینده‌ای روشن و نویدبخش؛

- تلاش برای برقراری حکومتی عدل‌پیشه و عدل‌گستر؛

- داشتن روحیه تعهد و مسئولیت‌پذیری.

این نوع انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسی است که پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کند.^۱



چرا انتظار فرج، افضل اعمال است؟

انتظار فرج، به معنای امید به آینده روشن و تحقق ارزش‌ها و خوبی‌ها است. چنین نگاهی به انسان، شور و نشاط و حرکت می-

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

دهد؛ به گونه‌ای که هم برای اصلاح خود اقدام می‌کند و هم محیط پیرامون خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد. منتظر، ساکت و ساکن نمی‌ماند، بلکه کارها و تلاش‌های خود را در جهت زمینه‌سازی برای تحقق ظهور انجام می‌دهد. چنین فردی در جامعه، نه تنها خود را از انحرافات اعتقادی و عملی به دور نگه می‌دارد؛ بلکه سعی در ساختن و اصلاح کردن جامعه دارد؛ بنابراین، انتظار، نه تنها یک عمل فردی که یک کار جمعی و تشکیلاتی است که به طور مداوم، جامعه و افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد و می‌تواند ضامن سلامت فکری و عملی فرد و جامعه باشد.

نیز انتظار، سبب استقامت و پایداری مسلمانان برابر فشارها و سختی‌ها می‌شود و از یأس و ناامیدی آنان، جلوگیری می‌کند و به این شکل، راه را برای غلبه و پیروزی آنان هموار می‌کند. با این وصف، انتظار، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی و اسلامی موعود، ایجاد می‌کند که در سایه اعمال فردی و جمعی، کمتر به چشم می‌خورد؛ به همین سبب، با فضیلت‌ترین عمل‌ها شمرده شده است.



وظایف منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه چیست؟

وظایفی که بر عهده یک منتظر است عبارت است از:

۱. معرفت و شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه؛ در روایات ما، تأکید فراوان شده است که انسان باید امام زمان خود را بشناسد؛ چون، پیمودن مسیر درست و صراط مستقیم الهی، جز به معرفت او ممکن نخواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛ هر کس بمیرد؛ در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

۲. الگو پذیری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

خوشا به حال آنان که قائم خاندان مرا درک کنند؛ در حالی که پیش از دوران قیام، به او و امامان پیش از او اقتدا کرده و از دشمنان ایشان، اعلام بیزاری کرده باشند. آنان، دوستان و همراهان من و گرامی‌ترین امت، نزد من هستند.^۲

از مهم‌ترین رفتارها، پرهیزگاری و حسن خلق است. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، صص ۷۶-۹۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در حال انتظار، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند.^۱

۳. یاد حضرت: اگر کسی به حقیقت، منتظر محبوب خود باشد، پیوسته در اندیشه او خواهد بود. منتظر واقعی، سعی می‌کند در همه حال، به یاد آن بزرگوار باشد و اعمال خود را از انحراف و کجی‌ها حفظ کند. یاد آن حضرت، با خواندن دعاهای آن بزرگوار، توسل به آن عزیز، صدقه‌دادن برای سلامتی او، انجام دادن خیرات به نیابت او، دعا کردن برای تعجیل فرج او، ندبه کردن در فراق او و تجدید پیمان در یاری او، تحقق می‌یابد.

۴. تلاش برای حفظ ایمان در زمان غیبت: از آن جا که در زمان غیبت، خطرات فراوانی برای ایمان و عمل پیش می‌آید و فکرها و مذاهب انحرافی در مسیر انسان پیدا می‌شود و شیاطین دوست‌نما سعی در گمراهی انسان دارند، انسان منتظر، پیوسته در حفظ ایمان و عمل خود می‌کوشد. در این زمینه، او پیرو مجتهد جامع‌الشرایط مورد سفارش و توجه امامان معصوم علیهم السلام است؛ زیرا او کسی است که از نظر علمی و عملی، مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است.

۵. زمینه سازی برای ظهور: منتظر واقعی، با درک صحیح معنای انتظار، می‌کوشد زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را تقویت کند؛ بنابراین، هم به اصلاح نَفْس و خودسازی می‌پردازد و هم با امر به معروف و

نهی از منکر، سعی در ساختن جامعه دارد؛ پس او فردی متعهد برابر خود و جامعه خویش است.

۲۵

چگونه می‌توانم با حضرت ارتباط برقرار کنم؟

ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام به دو شکل ممکن است: ۱. ارتباط ظاهری و ملاقات کردن حضرت؛ ۲. ارتباط معنوی و از راه چشم دل. درباره ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام باید گفت افتخار دیدار حضرت، شرف بسیار بزرگی است؛ اما در زمان غیبت حضرت که اصل، بر پنهان بودن حضرت از دیدگان مردم است، دلیلی نداریم که درخواست ملاقات را توجیه کند. ضمن این که توفیق ملاقات با حضرت، تنها به خواستن و تقاضای ما بستگی ندارد؛ بلکه مشروط است به این که امام علیه السلام در آن، مصلحتی ببیند؛ بنابراین، به جا است که آدمی بر ملاقات با حضرت اصرار نورزد و بلکه همت خود را در راه جلب رضای آن بزرگوار، صرف کند و در این راه، از ارتباط معنوی با امام مدد بگیرد.

قرآن کریم، در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا

اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبر

کنید و همدیگر را به صبر وادارید و مرابطه کنید و تقوا

و خدا ترسی را پیشه سازید؛ باشد که رستگار شوید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است:

صبر کنید بر ادای فرائض [= در انجام تکالیف الهی
استقامت ورزید] و برابر دشمنان پایداری کنید و با
امامتان که انتظارش را می کشید، رابطه کنید.^۱

معلوم است که در پرتو رابطه معنوی مداوم با امام است که آدمی بر
تعهد و پیمان خود با امام زمانش باقی می ماند و پیوسته در جهت
اهداف و آرمان های امام خود حرکت می کند و خود را از انحرافات
اعتقادی و عملی مصون می دارد.



چه کار کنم تا موفق شوم به آقا امام زمان علیه السلام نزدیک شوم؟

برای نزدیک شدن به امام عصر علیه السلام باید به نکات زیر توجه داشت:

شناخت امام

از روایات فراوان که درباره معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام، از
پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روایت شده است، دانسته می شود که از
ارکان مهم ارتباط معنوی و قلبی با امام، معرفت ساحت مقدس او
است. از این رو است که در روایات متعددی آمده است: «من مات و

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۹.

لم يعرف امام زمانه مات میته جاهلیة؛ هر کس بمیرد، در حالی که امام زمانش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.^۱ طبیعی است هرچه شناخت انسان از یک حقیقت، گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، امکان ارتباط باطنی با او بیشتر خواهد شد؛ آدمی، با معرفت به حضرت مهدی علیه السلام همه جا و همه وقت، حضور او را لمس می‌کند و خود را کنار او و در محضر او می‌بیند.

باید برای رسیدن به چنین شناختی از خدا یاری خواست. در دعای دوران غیبت می‌خوانیم: «خدایا حجت خود را به من بشناسان؛ چرا که اگر حجت را به من شناسانی از دینم گمراه خواهم شد».^۲

پیوسته به یاد آن حضرت بودن

برای نزدیکی به امام عصر علیه السلام که عصاره همه خوبی‌ها است، به بهانه‌های فراوان می‌توان متوسل شد؛ گاهی با زیارت «آل یاسین» به محضر مقدسش سلام داد و گاهی با «دعای ندبه» در فراق جان-سوزش ناله و فغان سرداد و همه روز با «دعای عهد» با او تجدید پیمان کرد.

تهذیب نفس و کسب فضایل روحی و معنوی

برای ارتباط و انس بیشتر با آن بزرگوار، باید در دوری از گناهان و آلودگی‌ها بکوشیم و آینه دل را برای حضور آن وجود مطهر،

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

غبارروبی کنیم و به جای رذیلت‌ها و بدی‌ها، بذر فضیلت‌ها و خصلت‌های زیبای اخلاقی را در زمین دل بکاریم. هرچه دل انسان و رفتار او، پاک‌تر باشد، قطعاً بهتر و بیشتر می‌تواند با پاک‌ترین موجود عالم، ارتباط برقرار کند؛ چون در این صورت است که سنخیت پدید می‌آید و سنخیت بین دو شیء، سبب نزدیکی آن‌ها خواهد شد. قرآن فرموده است: «لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱. مفسران گفته‌اند مراد، این است که فقط کسانی به فهم معارف عمیق قرآن راه می‌یابند که از طهارت روح برخوردار باشند. مصداق کامل اینان، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که به اسرار قرآن آگاهند و آن را برای دیگران بیان می‌کنند.

پس باید کوشید با کسب کمالات اخلاقی و تقوا، به ولی عصر علیه‌السلام شباهت یافت.

طبق آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام تقوای الهی، عبارت از انجام دادن واجبات و ترک محرّمات است.



چگونه می‌توان رضایت امام مهدی علیه‌السلام را به دست آورد؟

رضایت آن بزرگوار، فقط در سایه عمل به دین و انجام وظایف و

۱. واقعه (۵۶): ۷۹؛ «و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند [دست یابند]».

دستورات آن امکان‌پذیر می‌باشد. خداوند می‌فرماید:
به درستی کسانی که ایمان یاورند و عمل صالح انجام دهند،
[خدای] رحمان، دوستی و محبت برای آنان قرار می‌دهد.^۱

طبق این آیه شریف، شرط ایجاد محبت و ارتباط، ایمان به همراه
عمل صالح است. میان اعمال صالح، توجه به چند عمل، ارزش
بیشتری داشته و مورد سفارش امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ش می‌باشد که با انجام
آنها می‌توان محبت و رضایت حضرت را جلب کرد؛ برای نمونه به
برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

– توجه به نماز، به ویژه نماز اول وقت: در نامه‌ای که از امام
زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش صادر شده، آمده است:

هیچ عملی بهتر از نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛
پس نماز بخوان و بینی او را به خاک بمال.^۲

در کلام دیگری از ایشان چنین نقل شده است:
از رحمت خداوند به دور است کسی که [نماز] مغرب
را تا پدیدار شدن ستارگان و نماز صبح را تا ناپدید شدن
ستارگان به تأخیر اندازد.^۳

– دقت در کسب و مصرف مال حلال: در نامه‌ای که از امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ش
صادر شده، آمده است:

آنچه را برای ما فرستادی [از اموال] از آن رو می‌پذیریم

۱. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ مریم (۱۹): ۹۶.

۲. بحار الانوار، ج ۳، ۵۳، ص ۱۸۲.

۳. همان، ج ۵۲، ص ۱۵.

که پاکیزه و طاهر می‌باشند...؛ اما کسانی که اموال ما را
با اموال خودشان درمی‌آمیزند، هر کس چیزی از اموال
ما را حلال شمارد و آن را بخورد، همانا آتش خورده
است.^۱

– پرهیز از انجام اعمال ناپسند: وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه در
حدیثی می‌فرمایند:

چیزی ما را از شیعیان جدا نکرده، مگر آنچه از اعمال
ایشان به ما می‌رسد که خوشایند ما نیست و از آنان
انتظار نداریم.^۲

– زمینه سازی برای ظهور: خواست امام زمان عجل الله تعالی فرجه این است که
دوستان در این امر مهم همت گمارند و به تأسی از آن بزرگوار، برای
تعمیل در امر ظهور تلاش کنند و در این راه، هم از دعا استفاده
کنند^۳ و هم در امور زندگی به عالمان مراجعه کنند.^۴ مراجعه به
علماء، باعث حفظ دین مردم و وحدت و انسجام میان آنان است.
همچنین باید به عهد‌ها و پیمان‌های الهی که همان اطاعت از
اهل بیت علیهم السلام و عمل در طریق آن است، استوار باشند. آن حضرت

۱. همان، ج ۳، ص ۱۸۱.

۲. همان، ص ۱۷۷.

۳. «اکثرو الدعا بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم؛ برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که
این فرج شماست»، همان، ص ۱۸۱.

۴. «فاما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة
الله علیهم؛ در حوادث و رویدادها، به راویان حدیث ما [=علماء] مراجعه کنید؛ به درستی
که آنان، حجت من بر شماست و من، حجت خدا بر آنان هستم»، همان.

فرمود:

اگر شیعیان ما، دل‌هایشان در وفای بر عهده‌ی که بر آنها است، اجتماع کند لقای ما برای آنان به تأخیر نمی‌افتد.^۱

– تلاوت قرآن: تلاوت قرآن و انس با آن از طرف حضرت بسیار سفارش شده است و در قرآن و روایات بر روی آن تأکید شده است.^۲

– زیارات قبور امامان معصوم علیهم‌السلام و خواندن زیارت جامعه کبیره و عاشورا مورد تأکید امام زمان علیه‌السلام می‌باشد.



دلیل دعا کردن برای سلامتی امام عصر علیه‌السلام چیست؛ در حالی که خدای متّان، اراده دارد آن حضرت زنده و سلامت بماند؟

درباره تأثیر دعا، از دو زاویه می‌توان نگاه کرد:

الف. تأثیر دعا درباره امام؛

ب. تأثیر دعا برای دعا کننده.

از نگاه اوّل، دعا در سلامتی حضرت، مؤثر است؛ زیرا آن حضرت به این سبب که انسان است و در همین عالم زندگی می‌کند، در معرض آفات و بلاهاست و دعا می‌تواند در دور کردن بلاها و مرض-ها از وجود عزیزش مؤثر باشد؛ همان‌گونه که می‌تواند در بهبود

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. مزمل (۷۳): ۲۰.

بیماری اثر داشته باشد. این، با اراده خدا مبنی بر سلامتی امام، منافاتی ندارد؛ زیرا اراده خدا از طریق اسباب اعمال می‌شود و دعا، از مهم‌ترین وسیله‌ها و سبب‌ها برای جریان اراده خدا در زندگی است. همچنین آنچه که اراده الهی بر آن تعلق گرفته حفظ جان حضرت از مرگ است و این منافاتی با بیماری جسمی حضرت ندارد.

از نگاه دوم، آثار دعا کردن فراوان است از جمله:

دعا کردن، راهی است برای این که امام عصر علیه السلام را یاد کنیم و به این وسیله، با آن عزیز ارتباط روحی و معنوی پیدا کنیم و این ارتباط، ثمرات بسیاری برای رشد و کمال روحی ما دارد.

دعا کردن برای امام، نوعی عرض ارادت و محبت به او است که قطعاً از سوی آن منبع جود و کرم، بی‌پاسخ نخواهد ماند و دعا کننده را مورد لطف و عنایت خاص خود قرار خواهد داد.

دعا کردن برای امام، یعنی آن وجود عزیز را بر بسیاری از موجودات و پدیده‌ها مقدم دانستن و وجود و نقش او را مدنظر قرار دادن. این موضوع، سبب زیاد شدن محبت آن عزیز در دل‌ها و جان‌ها می‌گردد؛ زیرا ذکر محبوب، سبب فراوانی محبت نسبت به او است.

فصل پنجم

یاران و نمایان عام و خاص



نایب امام زمان علیه السلام به چه کسی گفته می‌شود؟

مراد از نایب امام علیه السلام کسی است که در زمان غیبت آن وجود مقدس، از طرف او سرپرستی جامعه شیعه را بر عهده دارد. نایبان به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. نایب خاص: فردی است که به طور مشخص و معین از طرف امام معرفی می‌شود.

۲. نایب عام: فردی است که به طور مشخص و معین از سوی امام معرفی نشده است؛ بلکه دارای صفات و ویژگی‌هایی است که یک نایب باید داشته باشد (این ویژگی‌ها، علاوه بر این که عقل بدان‌ها اشاره دارد، در روایات نیز به آن‌ها اشاره شده است).



نایبان خاص امام مهدی علیه السلام چه کسانی بودند؟

اولین نایب خاص، جناب عثمان بن سعید بود. کنیه وی ابوعمر و لقبش عمری بود. او از قبیله اسد و ساکن شهر سامرا بود؛ لذا گاهی عسکری نیز به او گفته می‌شود. چون شغلش روغن فروشی بود، سَمَن نیز خوانده می‌شد. او نایب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام هم بود و از سوی امام عسکری علیه السلام در جمع چهل نفر از شیعیان به نیابت خاص امام غایب تعیین شد.^۱

نایب دوم، محمد، فرزند نایب اول بود. او در همان شهر زندگی می‌کرد و به همان شغل پدر می‌پرداخت. او از سوی امام عسکری علیه السلام و پدر خویش به مردم معرفی شد، تا بعد از پدرش جانشین او باشد. علاوه بر این، در توقیعات مختلف امام زمان علیه السلام ایشان جانشین پدرش اعلام شد.^۲

نایب سوم، حسین بن روح نوبختی بود. او از خاندان نوبخت و ایرانی بود و در بغداد زندگی می‌کرد. وی، از وکلای نایب دوم بود و نایب دوم به امر امام زمان علیه السلام بعد از خود حسین بن روح را به مردم معرفی کرد.^۳

۱. کتاب الغیبة، شیخ طوسی، ص ۳۵۷.

۲. همان، ص ۳۶۲.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶۲.

نایب چهارم، علی بن محمد سمری بود. او نیز با معرفی نایب سوم، نیابت را عهده دار شد که این معرفی نیز به فرمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه بود.^۱ و البته قرائن و نشانه‌ها و کرامت‌های فراوانی وجود داشت که شیعیان به وسیله آن‌ها یقین می‌کردند این فرد نایب واقعی امام است و راست می‌گوید.^۲



کدام گروه از افراد جامعه مصداق نایب عام هستند و وظیفه سرپرستی بر دوش آنان گذاشته شده است؟

از دیدگاه عقل تنها فقها و مجتهدان جامع شرایط، می‌توانند رهبری و سرپرستی جامعه را عهده‌دار باشند؛ چرا که جامعه اسلامی باید بر اساس دستورهای دین اداره شود؛ لذا زمامدار باید مسلمانی باشد که از مبانی و احکام دین، آگاه باشد، تا بتواند طبق مقررات اسلامی، جامعه را راهبری کند. این فرد، کسی جز فقیه و مجتهد توانمند در تدبیر جامعه نیست.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا

فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم؛ در حوادث و

۱. همان.

۲. برای اطلاعات بیشتر، رک: سازمان وکالت، دکتر جباری.

رویدادهایی که واقع می‌شود، به راویان احادیث ما [=] علما و کارشناسان دین [رجوع کنید. به درستی که آنان، حجت من بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنانم].^۱

روشن است مراد از «حوادث واقعه»، پیشامدها و رخ دادهایی است که بر جامعه وارد می‌شود و باید به صورت صحیح و طبق نظر دین، از آن‌ها گذر کرد و مصلحت جامعه را در سایه دین درباره آن‌ها مد نظر قرار داد.

در روایت عمر بن حنظله نیز از وجود مقدس امام صادق (علیه السلام) در باره وظیفه شیعه برابر مشکلات و منازعات و مرجع صالح برای رسیدگی به امور چنین نقل شده است:

باید نگاه کنند کسانی که از شما [= شیعیان] هستند، به کسی که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما تأمل و دقت می‌کند و احکام ما را می‌شناسد؛ پس به حکم او باید راضی باشند. من او را بر شما حاکم قرار دادم. اگر او به حکم ما حکم داد و از او پذیرفته نشد، همانا به حکم خدا استخفاف ورزیده شده است و ما را رد کرده است و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده و این، در حد شرک به خدا است.^۲

۱. کمال الدین، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

۲. «ینظران الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا، و عرف احکامنا، فلیرضوا به حکما، فانی قد جعلته علیکم حاکما، فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه، فانما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد علینا الراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله»؛ کافی، ج ۱، ص ۶۷.

مراد از شخص آگاه به حلال و حرام، همان فقیه است که با تامل در روایات، با احکام اسلامی و دستورهای دین آشنا می‌شود.

وجود مقدس حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سه بار فرمود: «اللهم ارحم خلفایی؛ خدایا! به جانشینانم رحم کن». هنگامی که دربارهٔ جانشینان پرسیدند، فرمود:

«الذین یأتون بعدی یروون حدیثی و سنتی؛ کسانی که بعد از من می‌آیند و حدیث و سنت مرا نقل می‌کنند».^۱

نکته مهم و قابل دقت در روایت، این است که حضرت، به مهم‌ترین ویژگی جانشین اشاره دارد که راوی «حدیث و سنت» و «آشنا به دستورهای دین» بودن است؛ بنابراین، طبق روایات، در دوران غیبت کبرا، فقیه و اسلام شناس، نایب امام خواهد بود.



چگونه می‌توان نایب امام زمان علیه السلام را در زمان غیبت شناخت؟

هر کس دارای صفات خاصی باشد، به طور عام، از طرف امام زمان علیه السلام مجاز است احکام الهی را تبیین کند و شؤونی را که امام بر عهده دارد بر عهده بگیرد. مجموعه این شرایط که از قرآن و سنت استفاده می‌شود، به شرح زیر است:

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۴ و ۱۴۵ و ج ۸۶، ص ۲۲۱.

۱. عالم بودن و داشتن قوه اجتهاد و استنباط احکام الهی از منابع آن؛
 ۲. زهد و تقوا و پرهیز از دنیا پرستی و مفتون نشدن به آن؛
 ۳. داشتن بصیرت و عالم به زمان بودن.
- امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس از فقهاء، نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد پس دیگران باید از او پیروی کنند و این خصوصیات جمع نمی‌شود مگر در بعضی از فقهای شیعه، نه همه آنها.^۱

البته هر زمان، اگر چند نفر، دارای این شرایط بودند باید اعلم آنان برگزیده شود و اگر مساوی بودند، انتخاب هر یک از آنان مجاز است. البته، در مسایل سیاسی و حکومتی، به سبب آن که نظام جامعه مختل نشود، باید یک نفر (ولی فقیه) در رأس امور قرار گیرد و اختیارات حکومتی نیز در دست او متمرکز باشد. در این میان شناخت ولی فقیه به فقهاء و اهل خبره سپرده شده است.

۱. «فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لأمر مولاه، فللعوام أن يقلدوه. و ذلك لا يكون إلا بعض فقهاء الشيعة لا جميعهم»؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸



ویژگی‌های یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه چیست؟

با توجه به روایات، می‌توان ویژگی‌ها و صفات یاران را چنین برشمرد:

۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش: در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«در قلوب آنان [یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه] شکی به ذات خدا نیست»^۱

یعنی چنان به خداوند معرفت دارند که ذره‌ای تردید و شک در آنان راه ندارد.

۲. اطاعت کامل: نتیجه معرفت صحیح، اطاعت همه جانبه از امام است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«اطاعت آنان از امام، از فرمان‌برداری کنیز برابر مولایش، بیشتر است».^۲

۳. عبادت و صلابت: امام صادق علیه السلام دربارهٔ آنان فرمود:

شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند.^۳ و این یاد حق، در همه حالات آنان تجلی دارد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۲. همان.

۳. همان.

همچنین فرمود:

«آنان، مردانی هستند که گویا، دل‌هایشان پاره‌های آهن است».^۱

۴. جان نثاری و شهادت طلبی: امام صادق علیه السلام فرمود:
[یاران مهدی علیه السلام] در میدان رزم، در اطراف او می-
چرخند و با جان خود، از او محافظت می‌کنند.^۲
همچنین فرمود:

«آنان آرزو می‌کنند در راه خدا به شهادت برسند».^۳

۵. شجاعت و دلیری: حضرت علی علیه السلام در وصف آنان فرمود:
همه آنان، شیرانی هستند که از بیشه، بیرون شده‌اند و اگر
اراده کنند، کوه‌ها را از جا می‌کنند.^۴

۶. صبر و بردباری: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
آنان، گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه
خدا، بر خداوند منت نمی‌گذارند و از این‌که جان
خویش را تقدیم حضرت حق می‌کنند به خود نمی‌بالند
و آن را بزرگ نمی‌شمارند.^۵

۷. اتحاد و همدلی: آنان، خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی را از
خود دور کرده‌اند و همه چیز را برای هدف واحد می‌خواهند و زیر

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. روزگار رهایی، ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور، ج ۱، ح ۴۷۷، ص ۴۱۴.

۵. همان.

یک پرچم به قیام می‌پردازند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
«ایشان، یک‌دل و هماهنگ هستند».^۱

۸. زهد و پارسایی: حضرت علی علیه السلام در وصف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه فرموده است:

او، از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و نقره‌ای پس‌انداز
نکنند و گندم و جوئی ذخیره نکنند».^۲



یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه چند نفرند و از چه شهرهایی هستند؟

دربارهٔ تعداد یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سه دسته روایات وجود دارد:
دسته اول: روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است
که یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در
جنگ بدر هستند.^۳ در منابع روایی اهل سنت نیز همین تعداد به
عنوان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بیان شده است.^۴
دسته دوم: روایاتی است که یاران ایشان را ده هزار نفر ذکر می‌کند.^۵

۱. همان، ص ۲۲۳.

۲. منتخب الاثر، فصل ۶ ب ۱۱، ح ۴.

۳. همان، فصل ۷، باب ۵، بیست و پنج روایت را با این مضمون گردآوری شده است.

۴. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ص ۱۱۹؛ الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۵۰.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶ و ۳۲۶.

دسته سوم: روایاتی است که می‌گویند شیعیان در گرد حضرت جمع می‌شوند یا می‌گویند اهل شرق و غرب زمین با نهضت او همراه می‌شوند.^۱ نتیجه جمع این روایات - با توجه به قرائن و شواهدی که از خود همین روایات استفاده می‌شود - این است که یاران خاص حضرت که هسته اصلی نیروها را تشکیل می‌دهند و فرماندهان و کارگزاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه هستند، ۳۱۳ نفر به تعداد اهل بدرند. امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا می‌نگرم به قائم بر فراز منبر کوفه؛ در حالی که یارانش گرد او حلقه زده‌اند. آنان، پرچمداران و کارگزاران امام روی زمین هستند.^۲

یاران خاص، نخستین کسانی هستند که گرد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه جمع می‌شوند و دعوت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با آنان شروع می‌شود. پس از آشکار شدن دعوت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، تعداد ده هزار نفر، کسانی هستند که به امام عجل الله تعالی فرجه می‌پیوندند و به عنوان هسته اولیه نیروهای حضرت و تحت فرماندهی همان ۳۱۳ نفر، قیام جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه را یاری می‌کنند. امام جواد علیه السلام فرمود:

زمانی که ۳۱۳ نفر از یاران خاص قائم، به خدمت آن بزرگوار رسیدند، خدا امر او را به جهانیان آشکار می‌کند. وقتی این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند متعال خروج می‌کند.^۳

۱. منتخب الاثر، فصل ۷، ب ۶ ص ۵۹۷.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۸، ح ۱۶.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

در ادامه نهضت، توده‌های انبوه مردم از سراسر جهان که در انتظار منجی بشریت به سر می‌برند و از ظلم و ستم به ستوه آمده‌اند، به او می‌پیوندند.^۱

اما دربارهٔ وطن اینان، باید گفت از مکان‌های مختلف هستند. در روایتی از وجود مقدس امام جواد علیه السلام نقل شده است:

«اصحابش، اجتماع می‌کنند به سوی او به تعداد اهل بدر، ۳۱۳ نفر از نقاط مختلف زمین».^۲

البته در برخی روایات نام برخی افراد از بعضی شهرها ذکر شده است که نام این اشخاص مبهم است، مثلاً محمد از شهر طالقان که می‌تواند نام عده‌ی زیادی باشد و به علاوه نام برخی شهرها فرق کرده و برخی از نام‌ها مربوط به شهرهای متعدد در کشورهای گوناگون می‌تواند باشد. همچنین سند این روایت‌ها، قابل اعتماد نیست؛ لذا نمی‌توان گفت از کدام شهر، چه افرادی، از گروه یاران هستند؛ ولی آنچه مسلم است، این است که یاران حضرت، از مناطق مختلفند.

۱. منتخب‌الانبر، فصل ۷، باب ۶ ص ۵۹۷.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۶، ح ۲.



آیا انحصار یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به ۳۱۳ نفر، یک نوع تبعیض نیست؟ چرا ۳۱۳ نفر؟

باید توجه داشت که یاران حضرت، منحصر در ۳۱۳ نفر نیست؛ زیرا حضرت، دارای سه گروه یار است که گروه اول آنان، ۳۱۳ نفرند. اینان، فرماندهان و بزرگان لشکر حضرت محسوب می‌شوند و موالیان اویند. طبیعی است هر لشکر، تعدادی محدود فرمانده دارد و بقیه، تحت نظر اینان در لشکر حضرت به سر می‌برند و حاکم را یاری می‌کنند. پس این نوع انحصار، تبعیض نیست، با توجه به این که یاران گروه دوم را لشکر ده هزار نفری و یاران گروه سوم را عموم مؤمنان تشکیل می‌دهند.

گفتنی است که دلیل خاصی در این که چرا یاران گروه اول ۳۱۳ نفر هستند وارد نشده است. شاید بتوان گفت: این که تعداد یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه همچون یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر ۳۱۳ نفر است برای آن است که یاد و خاطره جنگ بدر زنده شود. جنگی که مسلمانان عده کمی بودند با تجهیزات نامناسب، و فقط تکیه بر خدا داشته و با ایمان وارد معرکه جنگ شدند. هدف حفظ اسلام و دین بود. امدادهای خاص و ویژه الهی نازل شد، چنانچه در ابتدای سوره انفال (آیات ۷-۱۴) به آن اشاره شده است. جنگی که همه گروه‌های مسلمان آن زمان، در آن حضور داشتند. افراد سپاه از همه اقشار و

سنین مختلف تشکیل شده بود و پیروزی قاطع مسلمانان در آن رقم خورد. بسیاری از سران مشرک و کافر سپاه مکه کشته شدند، پیروزی در این جنگ سرآغاز بسیار زیبایی برای شروع حرکت اسلام بود.



چرا بیشتر یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مرد هستند؟

پرسش از کم بودن تعداد زنان در مقایسه با مردان، میان یاوران حضرت، حرف صحیح و پسندیده‌ای نیست؛ چرا که یآوری، نه فقط به معنای جنگیدن و سلاح برکشیدن است؛ بلکه یار و یاور واقعی، کسی است که با همه وجود، در خدمت امام و اهداف او باشد و آنچه را که حضرت از او می‌خواهد، انجام دهد. در زمان غیبت و انتظار، به وظیفه یک منتظر واقعی آگاه باشد و آنچه را در این مدت بایسته است، انجام دهد و در زمان ظهور، گوش به فرمان و مطیع دستورهای او باشد و امر او را امتثال کند. مگر فاطمه زهرا و زینب کبرا علیهما السلام از یاوران پیامبر و امام زمان خود نبودند؛ در حالی که جنگ ظاهری با اسلحه نیز نداشتند؟ هر کس به تاریخ بنگرد، به خوبی به نقش بارز و بی‌بدیل آنان در یاری رهبر خود پی می‌برد. یاری رهبر در رساندن پیام او و مکتبش، بسیار ارزشمند است و اصولاً حرکت فرهنگی، پایه و اساس است؛ چرا که اگر یاری امام در بُعد فرهنگی و تبیین معارف دین نباشد و مردم از اهداف و برنامه‌های امام آگاه نباشند، طبعاً، برای کمک به گسترش فرهنگ و مکتب او، سلاح به دست نمی‌گیرند. زنان، در این

عرصه مهم، به خوبی می‌توانند ایفای نقش کنند و یاری امام خود را در حدّ اعلا، اعلام و آشکار کنند.

همچنین در مواردی که یاری کردن مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید حضور فعال‌تر داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می‌دهد و ویژگی‌ها و مشکلات جنگ، به گونه‌ای است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او هم‌خوانی دارد؛ لذا وظیفه جهاد، از دوش آنان برداشته شد، مگر در زمان ضرورت.



آیا تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص امام مهدی علیه السلام، همه هم‌عصرِ زمانِ ظهور هستند یا افرادی از سابق نیز میان آنان می‌باشند؟

تعدادی از یاران گروه ۳۱۳ نفری، از کسانی هستند که در زمان ظهور زندگی می‌کنند. در برخی روایات آمده است که اینان شب در بستر خود ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود. آیه ﴿این ما تکنونا یأت بکم الله جمیعاً﴾^۱ دربارهٔ این گروه است^۲ از روایات به خوبی می‌توان استفاده کرد که تعدادی از یاران، هم‌عصرِ زمانِ ظهورند.

۱. بقره (۲): ۱۴۸.

۲. الغیبه، ج ۲۰، ح ۳.

البته از برخی روایات، استفاده می‌شود که برخی از بزرگان روزگار گذشته، براساس مصالحی خاص، دوباره زنده شده و در رکاب حضرت و از یاران آن بزرگوار می‌شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

خروج می‌کنند با قائم علیه السلام از پشت کوفه - یا کعبه - ۲۷
مرد که عبارتند از: پانزده نفر از قوم حضرت موسی علیه السلام
و هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع بن نون و سلمان
و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر؛ پس در نزد
آن حضرت، از یاران و والیان هستند.^۱

بنابراین، یاران قائم علیه السلام هم از افرادی هستند که هم‌عصرِ زمانِ ظهورند و هم از افرادی‌اند که پیش از زمان ظهور، زندگی کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند.



یاران حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، چگونه نزد آن حضرت اجتماع کرده و حاضر می‌شوند؟

آنچه دربارهٔ اجتماع یاران در روز موعود مطرح است، مربوط به گروه اول است. حضور یاران خاص (۳۱۳ نفر) در مکه به دو صورت قابل

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰.

تصور است:

۱. به صورت عادی: به این معنا که با توجه به آشکار شدن علایم، یارانی که توان تهیه مقدمات سفر به مکه را دارند، خود را به میعادگاه می‌رسانند.

۲. به صورت اعجاز آمیز: به این معنا که یارانی که باید در مکه حاضر باشند و نتوانسته‌اند به صورت عادی رهسپار آن‌جا شوند، به قدرت الهی (مثلاً طی الارض) در مکه حاضر می‌شوند.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

هر کس در راه باشد، در آن ساعت می‌رسد و کسی که درگیر راه نباشد (نتوانسته حرکت کند)، از بستر خود ناپدید می‌شود و این، همان فرمایش امیر مؤمنان علی علیه السلام است که فرمود: «مفقودان از بسترهایشان» و نیز قول خداوند است که فرمود: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا﴾^۱ پس سبقت بگیرید [از یکدیگر به] خیرات [یعنی اهل بیت] هر جا که باشید، خداوند همه شما را می‌آورد [نزد امام مهدی، هنگام ظهور]^۲.

گفتنی است ممکن است اجتماع همگی یاران، از نوعی اعجاز برخوردار باشد؛ زیرا روایات در این باره به صورت دقیق و شفاف و جزئی به همه نکات اشاره ندارند.

۱. بقره (۲): ۱۴۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.



آیا با خواندن چهل بار دعای عهد، یار حضرت مهدی علیه السلام می‌شویم؟

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که هر کس دعای عهد را چهل صبح بخواند، از یاران قائم علیه السلام خواهد بود. البته باید دانست که خواندن دعا به تنهایی کافی نیست؛ بلکه انسان باید قابلیت یاوری امام را در خود ایجاد کند.

در دعای عهد عاجزانه از پروردگار خود می‌خواهیم به ما قابلیت عنایت کند که بتوانیم خود را برای یاوری امام آماده کنیم و واقعاً دست بیعت و وفاداری به او بدهیم. از خداوند ظهور او را می‌طلبیم و از او می‌خواهیم ما را در امر زمینه سازی و ظهور کمک کند.

عدد چهل که در روایات متعددی مطرح شده است، بیانگر این مطلب است که تکرار عمل در چهل مرتبه تأثیر گذار است. برای نمونه در روایت آمده است:

هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص کند
چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌گردد.^۱

یا مناجات حضرت موسی علیه السلام در کوه طور^۲ که چهل شب به طول انجامید و یا شهادت چهل مؤمن برای میت که باعث مغفرت او می‌شود.

۱. بحار الأنوار، ج ۶۷ ص ۲۴۹.

۲. بقره (۲): آیه ۵۱ و اعراف (۷): آیه ۱۴۲.

شاید مراد از چهل بار خواندن دعای عهد نیز این باشد که حقیقت دعا در انسان تجلی یابد.



نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

بدون تردید، نقش زنان در تاریخ اسلام، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده و هست. در صدر اسلام، زنانی چون نسیبه را مشاهده می‌کنیم که در جنگ احد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد و در این راه زخمی شد. نیز در جنگ احد، بدن امام علی علیه السلام پر از زخم شده بود، به طوری که بدن آن حضرت از شصت جا جراحت سخت برداشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو زن را به نام سلیم و أم عطیه مأمور مداوای حضرت علی علیه السلام نمود، و آن‌ها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند.

همچنین نقش پر اهمیت زهرا علیها السلام در دفاع از حریم ولایت، و رسوایی غاصبان خلافت، امری است روشن و معلوم که در جای خود بحث شده است. زنان در انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز دارای نقش مهمی هستند.

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر می‌فرماید:

«با حضرت قائم علیه السلام سیزده زن همراه است». سؤال شد:

«آن‌ها چه کار می‌کنند؟» حضرت فرمود: «مجر و حان را

مداوا و بیماران را پرستاری می‌کنند؛ همانطور که زمان

پیامبر ﷺ چنین بود.^۱

نیز امام باقر علیه السلام فرموده است:

سوگند به خدا! سیصد و اندی مرد می آیند که میانشان پنجاه نفر زن هستند. در مکه اجتماع می کنند بی آن که قبلاً وعده داده باشند. آمدنشان مانند ابرهای پاییزی است.^۲

با توجه به این مقدمه می توان گفت:

الف. در دیدگاه اسلام، حضور زن در امور اجتماعی یک مسأله پذیرفته شده است و می توان برای آن، مؤیدهایی را ذکر کرد:

۱. حضور جدی حضرت زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام در امور اجتماعی و سیاسی.
۲. حضور زنان در میان سپاهیان پیامبر ﷺ که وظایفی هم چون رساندن آب و غذا به رزمندگان، پرستاری مجروحان، تهیه دارو، رساندن مهمات، انتقال شهدا، تشویق رزمندگان و... داشتند. چنین چیزی را در سیره جنگی حضرت امیر علیه السلام می توان دید؛ مثل داستان حضور زنی به نام سوده حمدانی در جنگ صفین که رزمندگان را علیه معاویه تشویق می کرد.

ب. اگر سیره امام زمان علیه السلام ادامه سیره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام است، قطعاً در دولت امام زمان علیه السلام نیز زنان از یاری حضرت محروم نخواهند بود. در این باره روایات متعدد داریم.

۱. اثبات الهداة، ج ۳، باب ۳۲، فصل ۴۸، ص ۵۷۵ ح ۷۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«زنان همان کارهایی را که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام

می‌دادند، در زمان حضرت قائم علیه السلام نیز انجام خواهند داد».^۱

در برخی روایات فقط به اجمال به حضور زن تاکید شده و نامی از تعداد آنان برده نشده است. در برخی روایات به سیزده زن اشاره دارد که هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام با ایشان خواهند بود.^۲ البته این روایت، تعداد زنان رجعت‌کننده در زمان ظهور حضرت را بیان می‌کند. همچنین برخی روایات تعداد زنان را در جمع یاوران اصلی حضرت پنجاه نفر بیان کرده‌اند؛ در دسته دیگری از روایات، تعداد یاران زن تا چند هزار نفر برشمرده شده است.^۳ البته این زنان غیر از یاوران اصلی حضرت هستند.

در نتیجه می‌توان گفت با توجه به سیره نبوی و علوی، حضور زن در حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام و میان یاران آن حضرت، امری مسلم است؛ ولی باید توجه داشت که یاری رساندن زنان به حضرت (بر خلاف آنچه متبادر به ذهن است) به جبهه جنگ منحصر نیست؛ بلکه عرصه‌های مختلفی چون حوزه فرهنگ و سیاست، امور اجتماعی و تربیتی را نیز در بر می‌گیرد. حوزه‌هایی که در آن‌ها میدان یاری برای زنان با حفظ کرامت آن‌ها، باز است و زنان در حکومت حضرت می‌توانند در این عرصه‌ها نقش داشته باشند؛^۴

۱. اثبات‌الهدایة، ج ۳، باب ۳۲، فصل ۴۸، ص ۵۷۵ ح ۷۲۵.

۲. همان.

۳. نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۸۳.

۴. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری؛ نشانه‌هایی از دولت موعود علیه السلام، نجم الدین طبسی.

فصل ششم

دوران غیت



مراد از غیبت امام مهدی عج چیست؟

«غیبت» یعنی پنهان بودن و مراد از غیبت امام زمان عج این است که زندگی پنهانی دارد. با توجه به روایات می‌توان دریافت مراد از پنهان زیستی حضرت مهدی عج این است که مردم او را نمی‌شناسند؛ یعنی آن بزرگوار، میان مردم می‌باشد و آنان او را می‌بینند؛ ولی نمی‌دانند او همان امام زمان عج می‌باشد؛ لذا غیبت حضرت عج به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه شده است که با این‌که برادرانش برای خرید گندم به مصر رفتند و او را دیدند؛ ولی وی را نشناختند. البته در مواردی بدن حضرت نیز دیده نمی‌شود.



چه آثار و فوایدی بر وجود امام غائب مترتب است؟

به نظر می‌آید، آثار وجودی امام و حجت خدا را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

- آثاری که بر اصل وجود امام در عالم هستی مترتب می‌شود (چه امام ظاهر باشد، چه غایب)؛

- آثاری که بر افعال امام مترتب می‌شود (چه امام ظاهر باشد، چه غایب)؛
- آثاری که بر وجود امام ظاهر مترتب می‌شود.

واسطه فیض: اولین اثری که بر وجود امام مترتب است، این‌که امام، واسطه فیض الهی بر مخلوقات است و فیض الهی، به واسطه او بر بندگان نازل می‌شود. واسطه فیض بودن، دو گونه قابل تصور است:

الف. نظام جهان بر اساس اسباب و مسببات است و هر پدیده‌ای از راه سبب و علت، ایجاد می‌شود. در رأس این سلسله اسباب، وجود مقدس حجت خدا است.

ب. نظام جهان، بر اساس هدف و غایتی خلق شده است و تا زمانی که غایت از این نظام و هدف آن، پابرجا است، نظام نیز به حیات خود ادامه می‌دهد. هدف از خلقت عالم، امکان حیات انسان است و هدف از خلقت آدمی، عبادت و عبودیت است. عبادت و عبودیت کامل که همراه معرفت کامل است، فقط از طریق امام و حجت خدا تحقق می‌یابد؛ پس تا زمانی که امام هست، هدف از خلقت نیز باقی است؛ لذا در

سایه وجود او نظام هستی پا برجا است.

دفع بلا: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خداوند، ستارگان را امان برای اهل آسمان قرار داد و

اهل یتیم را امان برای اهل زمین»^۱.

نظیر این تعبیر، از وجود مقدس امام زمان علیه السلام نیز صادر شده است:

«من، آخرین اوصیا هستم. به واسطه من، خدا، بلا را از

خاندان و شیعیانم دفع می‌کند»^۲.

به نظر می‌آید مراد از بلا، عذاب‌هایی باشد که به سبب اعمال

ناشایست انسان‌ها باید نازل می‌شد؛ ولی به سبب آن که وجود

مقدس حجت خدا در میان مردم است، عذاب دفع می‌شود. خداوند،

به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

﴿وما كان الله ليعذبهم وأنت فيهم﴾^۳؛ و خداوند، آنان را

عذاب نمی‌کند؛ در حالی که تو میانشان هستی».

امید بخشی: آدمی، به امید زنده است، امید به آینده‌ای سبز و روشن

که در آن، اثری از پلیدی و تباهی نباشد. انسان، منتظر چنین ایام

زیبایی است و بهترین عمل او نیز انتظار فرج و دمیدن صبح ظفر

است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱. «جعل الله النجوم أماناً لأهل السماء و جعل أهل بيتي أماناً لأهل الارض»؛

بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۰۸.

۲. «انا خاتم الاوصياء و بي يدفع الله عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی»؛ بحار الانوار،

ج ۵۲، ص ۳۰.

۳. انفال (۸): ۳۳.

«أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج^۱؛ برترین عمل امت من، انتظار فرج است».

وجود امامی که منتظر إذن الهی برای ظهور است، به مردم دلگرمی می‌دهد و گام‌های آنان را در جاده انتظار استوار می‌کند. به راستی، آیا وجود رهبر در تبعید، انقلاب را ایجاد می‌کند و مردم را به جوشش و حرکت در می‌آورد یا وعده آمدن فردی در آینده که دوران حیاتی در این زمان برای او متصور نیست؟

خودسازی: از دیگر آثار وجودی امام، پیدایش و تقویت روحیه خودسازی و تهذیب نفس است. بر اساس روایات^۲ امام و حجت خدا، ناظر و شاهد بر اعمال است. هر روز و هر هفته، اعمال انسان‌ها خدمت آن بزرگوار عرضه می‌شود. کسی که دوستدار امام باشد، راضی نمی‌شود امام، ناظر بر اعمال ناپسند او باشد و با دیدن اعمال بد او، غمگین و ناراحت شود؛ لذا سعی می‌کند دقت بیشتری در اعمال خود داشته باشد و به گونه‌ای رفتار کند که رضایت امامش را به دست آورد. در کنار این آثار، آثار دیگری هم هست؛ مانند هدایتگری و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و... برخی از آن آثار را انسان‌ها در زندگی خود به روشنی احساس کرده‌اند؛ مانند حفظ و نجات شیعیان. حضرت در نامه‌ای به شیخ مفید نوشتند:

ما، بر اخبار و احوال شما آگاه هستیم و هیچ چیز از اوضاع شما، بر ما پوشیده نیست. ما، در رسیدگی و

۱. کافی، ج ۱، باب عرضه اعمال و شاهدان اعمال.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲ و ۱۲۸.

رعایت امور شما، اهمال نکرده‌ایم و شما را از یاد
نبرده‌ایم.^۱

در کنار حفظ شیعه از کیدهای دشمنان، نباید عنایات حضرت به
بیماران و درماندگان و در راه‌ماندگان و نیازمندان را از یاد برد. افراد
متعددی از لطف او بهره برده‌اند و بیماریشان علاج شده و گم-
گشتگان در راه، به منزل رسیده‌اند و نیازمندان و محتاجان و فقرا،
سامان یافته‌اند. این آثار، به افعال امام برمی‌گردد و امام، ظاهر باشد
یا غایب، امکان ترتیب اثر هست. بله؛ اثری که به وجودِ ظاهریِ امام
برمی‌گردد، حکومتِ ظاهری است؛ یعنی بشریت امروز به سبب
غیبت امام علیه السلام، که علت این غیت هم خود مردم هستند، از حکومت
عدل الهی و رشد و تکامل بشری در حدّ اعلای آن محروم شدند و
تا زمانی که ظهور امام علیه السلام رخ ندهد، این محرومیت ادامه دارد.



**مسجد مقدس سهله در کوفه چگونه به نام امام زمان علیه السلام
معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟**

این مسجد مقدس قدمتی به اندازه آغاز زندگی انسان روی زمین
دارد؛ زیرا، در روایتی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

خداوند پیامبری را مبعوث نکرده، جز آن که در مسجد
سهله نماز گزارده است.^۱

مسجد سهله، همیشه، به صورت مسجد و دارای بنا نبوده است؛ اما
مکان آن، همیشه مورد توجه بوده است. ابان بن تغلب، می‌گوید:
امام صادق علیه السلام اطراف کوفه، در سه نقطه نماز خواند و فرمود:
«سومین محل، محل نزول قائم علیه السلام بود».^۲

از این روایات معلوم می‌شود، آن نقطه، مسجد سهله بوده است.^۳
بسیاری از پیامبران، در این مسجد، اقامت داشته‌اند؛ مانند
حضرت ابراهیم و حضرت ادريس علیه السلام و فضیلت‌های بسیار زیادی
برای رفتن و عبادت کردن در آن مسجد، نقل شده است.^۴ و اعمال
خاصی دارد که در *مفاتیح الجنان* نیز به آن اشاره شده است. علت
انتساب این مسجد به امام زمان علیه السلام به سبب وجود روایاتی است که
در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

- مسجد سهله، منزل و محل اقامت امام زمان علیه السلام بعد از ظهور است.^۵
- مسجد سهله، منزل و محل اقامت دائمی امام زمان علیه السلام است.^۶
- مسجد سهله، محل بیت‌المال و محل تقسیم غنائم خواهد بود.^۷

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵ و ۴۳۶.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۷۲.

۳. مجله انتظار، ش ۶۰ اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان اسلام
(مسجد سهله)، مقاله مهدی‌پور، ص ۳۳۳.

۴. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۶.

۵. کافی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۶. مزار کبیر، ص ۱۳۴.

۷. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

- مسجد سهله، محل اقامت جانشینان امام زمان علیه السلام خواهد بود.^۱
 علاوه بر موارد بالا که در روایات متعدد آمده و مسجد را منسوب به امام زمان علیه السلام می‌کند، افرادی در مسجد سهله، به محضر امام زمان علیه السلام رسیده‌اند و توفیق ملاقات آن امام را یافته‌اند یا مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته‌اند؛ بزرگانی مانند سید مهدی بحرالعلوم، حاج میرزا مهدی اصفهانی، حاج شیخ محمدتقی آملی، آیت‌الله خویی و...^۲
 سیره و روش علما، این بوده است که برای کسب فیض، شب‌های چهارشنبه، به آن مسجد می‌رفتند. البته دربارهٔ شب چهارشنبه یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست، مگر همان راهنمایی‌ها که در ملاقات‌ها صورت گرفته است.^۳



مسجد مقدس جمکران در قم چگونه به نام امام زمان علیه السلام معروف شد و پیدایش آن، بر اساس چه معیاری بوده است؟

مسجد مقدس جمکران در قم، از مساجد منسوب به امام زمان علیه السلام

۱. تهذیب، ج ۶ ص ۳۱.

۲. برای مطالعه متن این ملاقات‌ها و جریان‌ها، ر.ک: به کتاب *مسجد سهله* نوشته سید عباس موسوی مطلق.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: *فصلنامه انتظار موعود*، ش ۶ مقاله «اماکن زیارتی منتسب به امام زمان علیه السلام در ایران و جهان (مسجد سهله)»، علی اکبر مهدی پور و *مسجد سهله میعادگاه عاشقان*، عباس موسوی مطلق.

است که تاریخ بنای آن، بر اساس آنچه از کتاب *تاریخ قم* نوشته شیخ حسن بن محمد بن حسن قمی معلوم می‌شود، به سال ۳۹۳ ق برمی‌گردد و قدمتی بیش از هزار ساله دارد. در همین کتاب، سبب بنای این مسجد را فرمان امام‌زمان علیه السلام به شیخ حسن بن مثله جمکرانی بیان می‌کند.

جمکران، نام دهی در نزدیکی شهر مقدس قم است. شیخ حسن بن مثله، از افراد صالح و ساکن این روستا بوده است که امام به او فرمان داد زمینی را که اکنون محل مسجد جمکران است، از دست فردی به نام حسن بن مسلم که بی‌اجازه در آن جا کشت می‌کرده بگیرد و در آن محل، مسجدی بنا کند و محل هزینه آن را نیز به او نشان داد. به این ترتیب، اولین بنای مسجد جمکران ساخته شد و خود امام‌زمان علیه السلام در همان فرمان ساخت مسجد، اعمال آن را نیز بیان داشت و فرمود:

به مردم بگویید به این مکان رغبت کنند و آن را عزیز شمارند. هر کس دو رکعت نماز در آن بخواند؛ مانند کسی است که در کعبه نماز خوانده است.

به سبب دستور امام زمان علیه السلام این مسجد به نام ایشان معروف است و عاشقان آن حضرت ارادت خاصی به آن دارند. علمای بزرگ ما نیز در باره آن مسجد، جملات بسیار مهمی دارند. آیت‌الله بروجردی می‌فرماید، این جریان [= ساخت اولیه مسجد]، در زمان شیخ صدوق اتفاق افتاده است؛ یعنی، ایشان، صحت این جریان را تأیید می‌کنند. علاوه بر نقل مذکور در کتاب *تاریخ قم*، سیره عالمان و بزرگان و

صالحان، این بوده است که به آن مسجد بروند و افراد زیادی در این مسجد مورد عنایت حضرت واقع شده‌اند. البته در باره شب چهارشنبه‌رفتن یا چهل شب رفتن، روایتی در دست نیست؛ اما سیره و روش بزرگان، چنین بوده است و احتمال دارد چنین روشی، با راهنمایی‌های خود حضرت ولی عصر علیه السلام بوده باشد.^۱



چرا آن حضرت غایب شد؟

درباره غیبت می‌توان، دو نگاه داشت:

۱. نگاه تاریخی: وقتی به تاریخ صدر اسلام و حتی پیش از آن می‌نگریم، به خوبی می‌بینیم که جبهه کفر و باطل برای مقابله با جبهه حق و نابودی آن، از هیچ اقدامی فروگذاری نکرده و در این راه حتی از کشتن پیشوایان دین نیز ابایی نداشته است. آنان، به خوبی می‌دانستند ادامه حکومت دنیایی و سیطره بر مردم و کسب منافع نامشروع، زمانی امکان پذیر خواهد بود که پیشوایان دین و هادیان حق را از سر راه خود بردارند؛ لذا شهادت امامان علیهم السلام در دستور کار خلفای جور قرار گرفت. آنچه وحشت و اضطراب حاکمان خودکامه را بیشتر می‌کرد، وعده ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان منجی و

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: فصلنامه انتظار موعود، ش ۵.

مصلح بود؛ از این رو خلفای معاصر امام حسن عسکری علیه السلام ایشان را به شدت تحت نظر داشتند، تا وقتی فرزندش به دنیا می‌آید، او را در همان ابتدای زندگی به شهادت برسانند؛ بنابراین بسیار طبیعی است که خداوند آخرین حجت خود را در پرده غیبت قرار دهد، تا جان او حفظ شود و در موعد مقرر و زمانی که مردم آمادگی داشتند، ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد نماید.

۲. نگاه روایی: در روایات، به علت و حکمت‌های متعددی اشاره شده است. قبل از بیان آن‌ها ذکر این مقدمه ضروری است که: غیبت، سری از اسرار الهی است و ما ایمان داریم که خداوند متعال، هیچ کاری را جز بر اساس حکمت و مصلحت، انجام نمی‌دهد.

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، در پاسخ سوال از علت غیبت آمده است:

غیبت، به سبب امری است که اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم ... غیبت، سری از اسرار الهی است؛ ولی چون می‌دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است، می‌پذیریم که همه کارهای او (براساس) حکمت است؛ اگر چه علت کارها برای ما معلوم نباشد.^۱

بعد از بیان مقدمه به علل غیبت از منظر روایات می‌پردازیم:

الف. آزمایش مردم: امتحان کردن مردم، از سنت‌های حتمی

۱. کمال‌الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱۱.

خداوند است. او بندگان خود را به اسباب گوناگون می‌آزماید تا میزان استواری آن‌ها در مسیر حق، آشکار شود. نتیجه امتحان، برای خداوند معلوم است؛ ولی در گذر از سختی‌ها، بندگان خدا پخته می‌شوند و به جوهر وجود خود پی می‌برند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مراقب دین خود باشید، تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای صاحب این امر، غیبتی خواهد بود که گروهی از پیروان او، از اعتقاد خود دست برمی‌دارند و این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن، بندگان را امتحان می‌کند.^۱

ب. ستم پیشه بودن انسان‌ها: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند؛ ولی خداوند به دلیل ستم پیشه بودن و زیاده‌روی انسان‌ها، آنان را از وجود [ظاهری] حجت خود محروم می‌سازد.^۲

ج. حفظ جان امام: یکی از عوامل کناره‌گیری پیامبران از قوم خود، حفظ جان خویشان بوده است، همان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ جان خود، از مکه بیرون رفت و در غار پنهان شد. امام صادق علیه السلام فرمود:

امام منتظر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم غایب خواهد شد. راوی، از علت غیبت سوال کرد. حضرت

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۲. الغیبة، نعمانی، ب ۱۰، ح ۲.

فرمود: بر جان خویش بیمناک است.^۱

البته ترس حضرت بر جان خود، برای آن است که او، آخرین ذخیره الهی است که باید برای تحقق عدالت جهانی که وعده حتمی خداوند است، بماند

د. تأدیب مردم: وقتی امت، برابر پیامبر و امام، وظایف خود را به درستی انجام ندهد خداوند، پیشوای ایشان را برای مدتی از آنان جدا کند. امام باقر علیه السلام فرموده است:

وقتی خداوند، همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد، ما را از میان آنان برگیرد.^۲

ه. استقلال و بیعت نکردن با حاکمان: می‌دانیم که امامان پیشین، به بیعت ظاهری با حاکمان جور زمان خود مجبور شدند. چون رسالت امام مهدی علیه السلام قیام برضد همه ظالمان و ستمگران است و این امر، با بیعت با آنان سازگاری ندارد، او غایب شد، تا از بیعت با حاکمان جور، رها شود و هر زمان، خداوند اراده کرد، آزادانه با ستمکاران برخورد کند. امام رضا علیه السلام در بیان علت غیبت، چنین فرموده است:

برای این که آن زمان که با شمشیر قیام می‌کند، کسی بر عهده او بیعتی نداشته باشد.^۳

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۷.

۲. علل الشرایع، ص ۲۴۳، باب ۱۷۹، ح ۲.

۳. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۴، ح ۴.



اگر امام زمان علیه السلام بین مردم بود و مردم را به راه راست راهنمایی می کرد بهتر نبود؟ خداوند بر همه چیز قادر است و می تواند او را از شر کافران حفظ کند.

روشن است اگر امام در میان مردم ظاهر بودند و به صورت آشکار مردم را راهنمایی و هدایت می کردند، بسیار بهتر بود؛ ولی آیا دشمنان چنین اجازه‌ای را به او می دادند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام در موارد متعدد، گفته بودند دستگاه ظلم، به دست حضرت مهدی علیه السلام برچیده می شود؛ از این رو وجود مقدس او، مورد توجه دو دسته از مردم واقع می شد:

۱. مظلومان به امید نجات به دست حضرت مهدی علیه السلام
۲. ظالمان که چون وجود مقدس امام را سد راه منافع خود می دیدند، حضرت را به قتل می رساندند. در تاریخ، نمونه‌های متعددی از شهادت اولیای خدا و راهنمایان دین حق به دست ستمگران وجود دارد که از جمله آن‌ها شهادت امامان بزرگوار شیعه علیهم السلام است. قدرت خداوند محدود نیست؛ ولی نظم هستی، به گونه‌ای است که کارها، از طریق اسباب و از مجرای عادی انجام شود. اگر خداوند بخواهد برای حفظ جان انسان‌های مقدس، از جریان عادی حاکم بر جهان دست بردارد و برخلاف آن عمل کند، بدان معنا است که با تغییر در نظام آفرینش، دیگر دنیا، محل تکلیف و اختیار و امتحان نباشد؛ زیرا

خداوند، با اعمال قدرت، جلوی اختیار افراد را در این زمینه می‌گیرد. به علاوه، اگر امام، میان مردم به صورت آشکار حاضر بود یا باید با ظالمان وارد جنگ و پیکار می‌شد یا باید برابر آن‌ها سکوت می‌کرد. راه اول، به تحقق شرایط و اذن الهی مشروط است و بدون آن، قیام و نبرد نتیجه بخش نیست. اگر امام، راه دوم را برگزینند و مؤمنان ببینند حضرت، برابر تمام جنایات و ستم‌ها سکوت کرده و این سکوت، سالیان طولانی ادامه پیدا کرده است، از اصلاح جهان مایوس می‌شوند و در بشارت‌های پیامبر ﷺ و قرآن، شک می‌کنند؛ بنابراین، گزینه غیبت تا آماده شدن شرایط و مهیا شدن مردم برای پذیرش قیام و عدالت گستری حضرت، بهترین انتخاب و روش است.



غیبت امام زمان ﷺ دارای چه مراحل بود؟ چرا؟

رخدادها و پدیده‌های اجتماعی، نیازمند مقدمه و آماده سازی است و باید شرایط را به گونه‌ای فراهم کرد که قابل تحمل و پذیرش عموم مردم شود. پدیده غیبت نیز در همین راستا قابل بررسی است. شیعیانی که در دوران گذشته هرگاه می‌خواستند امام خود را ملاقات کنند، محضر او شرفیاب شده و از وجودش بهره می‌بردند، اینک امام و مقتدای خود را در پس پرده غیبت می‌بینند. این حادثه، بدون زمینه‌سازی، مشکل و غیره منتظره بود؛ از این رو

امامان قبلی آرام آرام، شیعیان را با این پدیده آشنا کردند. از زمان امام جواد علیه السلام به بعد به صورت‌های مختلفی مانند توجه به نهاد وکالت که از زمان امام باقر و صادق علیهما السلام شکل گرفته بود، انجام ملاقات‌های پشت پرده، برقرار کردن ارتباط از طریق نایب خاص، مسأله غایب شدن امام به شکل جدی‌تری مطرح شد، تا طبیعی جلوه کند. این کارها، پذیرش و قبول مسأله غیبت را بین شیعیان تقویت می‌کرد؛ لذا آنان دیگر با یک پدیده غریب رو به رو نمی‌شدند. از این رو دوران غیبت در دو مرحله صورت گرفت:

غیبت صغرا؛ امام عصر علیه السلام امر هدایت و رهبری را مدت ۶۹ سال، از طریق نایبان خاص انجام می‌داد. این گونه اداره کردن امور، اولاً موقتی و جهت آماده سازی مردم برای غیبت کامل بود، ثانیاً برای تثبیت وجود و حقانیت امامت حضرت مهدی علیه السلام بود و ثالثاً تعلیم مردم به رجوع به عالمان دین بود.^۱

بنابراین ازجمله دلایل مرحله غیبت صغرا می‌تواند موارد زیر باشد:

۱. اثبات وجود حضرت (با توجه به ولادت مخفیانه ایشان).
 ۲. آماده شدن مردم برای ورود به غیبت کبرا.
 ۳. تمرین برای رجوع کامل به نایبان و علما.
- غیبت کبرا؛ بعد از پایان یافتن دوران غیبت صغرا و آمادگی مردم، به امر الهی دوران غیبت کبرا آغاز شد.

۱. حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم...» اما در حوادثی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند...»، بحار/انوار، ج ۵۳ ص ۱۸۱.



آیا امامان در گذشته برای وقوع غیبت و آماده کردن شیعیان برای این امر زمینه‌سازی کرده‌اند؟

غیبت، امری است که سیر حرکت انسان‌ها، آن را ناگزیر کرده است و در این فرایند باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شد تا جامعه شیعه، با کمترین مشکل بتواند پذیرای آن باشد؛ از این رو امامان علیهم‌السلام از یک سو، راه‌های فهم احکام را به شاگردان می‌آموختند تا بتوانند احکام دین را در حد توان از منابع، استنباط و استخراج کنند و مردم را نیز به آموختن از عالمان و رجوع به آن‌ها فرامی‌خواندند و از سوی دیگر با برقراری نهاد وکالت، مردم را به رجوع به وکیلان دعوت کردند. در همین راستا، امام هادی و عسکری علیه‌السلام ارتباط مستقیم خود را کمتر کردند و در مواردی از پشت پرده، پرسش‌ها را پاسخ می‌دادند، تا مردم به ندیدن امام عادت کنند. به دنبال آن غیبت کوتاه مدتی (صغرا)، پیش بینی شد تا مردم به واسطه نواب خاص، برخی مسائل مورد نیاز را بپرسند و در ضمن آن، رجوع همیشگی به نایبان را فراگیرند.^۱

۱. رک: کتاب الغیبة، شیخ طوسی؛ تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی؛ اصول عقاید، آیت‌الله مصباح یزدی؛ دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی.



عده‌ای از شیعیان، اعتقاد دارند مثلث برمودا، پایگاه حضرت مهدی علیه السلام است. آیا اسناد و شواهدی وجود دارد تا آن را به اثبات رساند؟

این جزایر، از لحاظ جغرافیایی، محل مشخصی دارد و در نقشه‌ها ثبت شده است.

اصل نکته دربارهٔ این جزیره و مثلث برمودا، اخباری است که مخبره و ثبت شده است. در حدود سال ۱۳۵۵ش، یعنی دو سال پیش از انقلاب اسلامی در ایران، در تمام مطبوعات و رادیوها، اخباری عجیب و غریب از حوادث دردناک و اسرارآمیز از این جزیره و منطقه، نوشته و اعلام شد و به تبع آن، در مجلات داخلی ایران نیز چیزهایی ترجمه و بیان گردید؛ اما اینک دیگر اثری از آن خبرها نیست و در سال‌های اخیر، دیگر از چنین حادثه‌هایی سخن گفته نمی‌شود، در حالی که با گسترش ارتباطات، باید اخبار، بیشتر و دقیق‌تر از گذشته، ارائه می‌شد.

بعضی، درباره پخش گسترده این اخبار، استدلال کرده‌اند که چون کشور کوبا، رابطه خوبی با شوروی سابق داشت و از طرفی، نزدیک بودن آن به ایالات متحده آمریکا، خطر جدی برای آمریکا محسوب می‌شد و می‌توانست جایی برای نصب ابزار جاسوسی و جنگی و در واقع پایگاهی برای شوروی در نزدیکی آن کشور باشد، آمریکا به این فکر افتاد که در نزدیکی کوبا (مثلث برمودا) با شایعه-

کردن این اخبار، منطقه خطرناک و ناامنی را ایجاد کند و آن‌جا، پایگاهی بسازد که کوبا را از نزدیک زیر نظر بگیرد و اگر کسی خواست نزدیک شود، او را از بین ببرد و آن را به نیروهای اسرارآمیز منتسب سازد؛ بنابراین، اخبار مخابره شده، همه، جنبه سیاسی و امنیتی داشت و در واقع، ساختگی بوده است. البته، امکان دارد برای واقعی جلوه کردن، چند هواپیما و کشتی را نیز از بین برده باشند.

متأسفانه بعضی، با شنیدن این اتفاقات و مشخصات ادعا کردند یا احتمال دادند که آن منطقه، همان جزیره خضرا و محل زندگی اهل بیت امام زمان علیه السلام است، در حالی که این، احتمالی بیش نیست و عقیده‌ای شخصی است که ابراز گردیده است و می‌تواند نشان از کج سلیقه‌گی افراد باشد؛ زیرا وقتی اخبار دردآور و غم‌انگیز کشته شدن عده‌ای افراد بی‌گناه که بعضاً راه را گم کرده‌اند یا سوار بر کشتی تجاری بوده‌اند دنیا را فرا گرفت - بر فرض واقعیت داشتن این جریان‌ها - همه را به تأسف و تأثر واداشت اگر کسی ادعا کند که آن‌جا جزیره امام ما است و حضرت و یارانش چنین کارهایی را انجام داده‌اند، اثر منفی بر اذهان همه مردم خواهد داشت.

به راستی، این ادعا، به شنوندگان و خوانندگان، چه پیامی را القا می‌کند؟ آیا جز این است که خشونت‌طلبی و خون‌ریزی دین اسلام و پیشوایان دین را تبلیغ می‌کند؟

وقتی از مدعیان وجود جزیره خضرا می‌پرسند: چرا تا به حال آن را کسی ندیده است؟ می‌گویند: از قدرت خدا دور نیست که آن را به حالت معجزه‌آسا و خارق‌العاده، از چشم‌ها دور کند و کسی آن را

نبیند.^۱

باید از اینان پرسید: اگر خدا چنین کاری را می‌کند، چه لزومی برای نابود کردن هواپیماها و کشتی‌ها در آن منطقه هست و چرا باید این افراد بی‌گناه کشته شوند؛ در حالی که می‌شود آن‌جا را نبینند و ردّ شوند؟ در حالی که آنچه در حدیث جزیره خضرا آمده است، با فرض صحت آن، به کشته شدن دشمنان اشاره دارد. آیا کسی که راه را گم کرده و اتفاقاً به آن‌جا رسیده، دشمن و مستوجب قتل است؟ آیا ارائه چنین تصویری از اسلام و امام، صحیح است؟

خلاصه این‌که:

۱. مثلث برمودا، وجود دارد؛ امّا اخبار نقل شده درباره آن، ساختگی و برای مقاصد سیاسی بوده است.
۲. تطبیق آن، بر جزیره خضرا، ادعایی شخصی است و فقط از سوی یک فرد ناشناخته، به نام ناجی النجار ابراز شده است.
۳. پذیرش چنین چیزی، خدشه‌دار کردن چهره دین و خشن و خطرناک جلوه‌دادن امام رحمت و رأفت است که با قوانین مسلم دین، سازگاری ندارد.^۲

۱. جزیره خضراء، ناجی النجار، ص ۵۵.

۲. پژوهشی درباره جزیره خضراء، مجتبی کلباسی، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود (با اندکی تصرف)



مراد از سرداب غیبت چیست؟

سرداب، به طبقه زیرین ساختمان اطلاق می‌شود که در مناطق گرمسیری برای حفاظت از گرمای شدید، زیر ساختمان ساخته می‌شود. این شیوه ساختمان‌سازی در بسیاری از مناطق عراق، از جمله شهر سامراء که دارای آب و هوای گرم و خشک می‌باشد، مرسوم است. خانه امام هادی علیه السلام در شهر سامراء نیز دارای چنین سردابی بود. این خانه پس از شهادت امام هادی علیه السلام در اختیار امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفت.

بر اساس شواهد تاریخی، ولادت با سعادت خاتم الاوصیا و منجی عالم بشریت، حضرت مهدی علیه السلام در این منزل رخ داد. آن بزرگوار، به علت شرایط حاکم بر زمان و وجود خلفای جور، مخفیانه به دنیا آمد و پس از شهادت پدر گرمی‌اش، غیبت او از آن خانه آغاز شد.

با توجه به حضور و عبادت سه امام بزرگوار شیعه در این خانه و اقامت ایشان در سرداب برای مدتی، این خانه و سرداب آن، نزد شیعه مکانی مقدس شمرده می‌شود. به علاوه برخی بر این باورند که غیبت امام مهدی علیه السلام نیز از همین سرداب آغاز شده است؛ لذا به آن «سرداب غیبت» می‌گویند. البته برخی دیگر این امر را مطلبی مسلم نمی‌دانند.

گفتنی است به علت تولد و زندگی مخفیانه امام زمان علیه السلام در زمان حیات پدر و همچنین آغاز غیبت با شهادت پدر و به امامت رسیدن ایشان، اظهار نظر درباره محل شروع غیبت مشکل است.

۵۱

در روایتی خواندم که، هر حکومتی پیش از قیام امام زمان (عج) به وجود بیاید، حکومت طاغوت است. این حدیث را در رابطه با نظام فعلی ما توضیح دهید.

باید توجه داشت که برنامه‌ها و آموزه‌های دین اسلام، مربوط به دوره و عصر زمانی خاصی نیست؛ بلکه برای عموم مردم در هر عصر و زمان است؛ بنابراین، مردم در هر زمان، مکلف به اجرای فرمان‌هایی؛ مانند ﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة﴾^۱ یا ﴿و لتكن منكم امة يدعون الى الخير يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر﴾^۲ یا ﴿و السارق و السارقة فاقطعوا ايديهما﴾^۳ هستند. اجرای این‌ها نیازمند برقراری حکومت و ایجاد تشکیلات نظام‌مند است. در نتیجه، از دید اسلام باید حکومت اسلامی تشکیل شود و حاکم اسلامی، اداره جامعه را بر عهده بگیرد. با توجه به این مقدمه، به بررسی روایت نفی حکومت در زمان غیبت می‌پردازیم. روایتی، از امام صادق (ع) نقل شده است که: «کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یبعد من دون الله؛ هر پرچمی که پیش از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است که به

۱. انفال (۸): ۶۰ (هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید).
 ۲. آل عمران (۳): ۱۰۴؛ (باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند).
 ۳. مائده (۵): ۳۸؛ (دست مرد دزد و زن دزد را، به کیفر عملی که انجام داده‌اند، قطع کنید).

جای خدا، پرستش می‌شود».^۱ شبیه این مضمون، از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «هر پرچمی که پیش از پرچم مهدی برافراشته شود، صاحبش، طاغوت است». سند روایت اول، خوب و قابل اعتبار است؛ ولی سند روایت دوم، این‌گونه نیست. برای فهم روایت، باید به دو نکته توجه کرد: ۱. الفاظ روایت، چه محتوایی را بیان می‌کند؟ ۲. آیا روایات دیگری نیز در این‌باره صادر شده است، تا با توجه به آن‌ها معنای صحیح آن روشن شود؟ یا نه؟

«رایه» به معنای پرچم است و «رفع رایه» کنایه از اعلان جنگ با نظام موجود حاکم است. «صاحب پرچم» همان رهبر قیام است که مردم را به یاری می‌طلبد. طاغوت، یعنی فرد ستمگر و متجاوز که به حریم خدا تجاوز می‌کند و مردم را به خود می‌خواند که حاکمیت او را بپذیرند. منظور از «قبل قیام القائم» دوران عصر غیبت است.

با توجه به الفاظ روایت، می‌توان دریافت، پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام عده‌ای با شعار نجات انسان، مردم را به سوی خود فرا می‌خوانند. اینان، بدون آن که اعتقاد کامل و صحیح به دین داشته باشند، و حاکمیت را فقط برای خدا و خلیفه خدا بپذیرند، با پی‌ریزی مکتب‌های مختلف، خود و اندیشه خود را تنها راه نجات بشریت می‌دانند. اینان، طاغوتند که مردم را از راه الهی به سوی خود منحرف می‌کنند؛ از این رو، اگر فرد عادل و پرهیزکاری که نور ایمان و تقوا در تمام زندگانی‌اش نورافشانی کرده، به پاخیزد و مردم

را به سوی دین خدا و زمینه‌سازی برای ظهور حضرت فرا خواند، اصلاً از موضوع روایت خارج است.

شاهد بر این بیان، روایت دیگری، با سند صحیح از وجود مقدس امام صادق علیه السلام است که فرمود:

اگر یک نفر از ما [= خاندان پیامبر] آمد و شما را به قیام و خروج دعوت کرد، خوب بیندیشید که به چه منظور قیام کرده است [و برای توجیه قیام او] نگوید: «زید بن علی [= فرزند امام سجاد، علیه السلام] هم پیش‌تر قیام کرد؛ زیرا زید، مردی دانشمند و راستگو بود و شما را به امامت خودش دعوت نمی‌کرد؛ بلکه به شخصی دعوت می‌کرد که مورد توافق و رضایت اهل‌بیت قرار گیرد [= امام معصوم]. او اگر پیروز می‌شد، حتماً به وعده‌اش عمل می‌کرد و حکومت را به اهلش می‌داد. زید، برابر دستگاه سلطنت قیام کرد، تا آن را سرنگون سازد؛ اما آن کس که امروز قیام کرده است، شما را به چه امری دعوت می‌کند؟ آیا شما را به سوی شخصی دعوت می‌کند که مورد توافق و رضایت آل محمد قرار گیرد؟ نه؛ چنین نیست. شما را گواه می‌گیریم که ما به قیام این شخص راضی نیستیم. او، اکنون که به قدرت نرسیده است، با ما مخالفت می‌کند؛ پس در صورتی که قدرت یافت و پرچمی برافراشت، به طریق اولی، از ما اطاعت نمی‌کند».^۱

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۲.

با توجه به این روایت، به خوبی می‌توان دریافت که اگر قیام‌کننده، دعوت‌کننده به خود باشد، طاغوت است؛ ولی اگر هدف او، دعوت مردم به خدا و زمینه‌سازی برای حاکمیت حجت حق باشد، قیام او نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه در راستای اراده خداوند است که می‌خواهد با حاکمیت حاکم اسلامی، به مقررات عمل شود.

امام صادق علیه السلام درباره رجوع به فقیه فرمود:

«فانی قد جعلته علیکم حاکماً؛ من، او [= فقیه] را بر شما حاکم قرار دادم».^۱

به راستی آیا زندگی تحت سیطره حکومت ظلم، مطلوب خدا و عقل است یا زیر چتر عالم عادل مسلمان و کدام یک به زمینه‌سازی برای ظهور کمک می‌کند؟

امام حسین علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال

کرده و عهد خدا را شکسته و با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مخالفت کرده و میان بندگان خدا به ظلم رفتار کرده

است و او، برابر چنین حاکمی با عمل و گفتار مخالفت

نکند، بر خدا است که او را در جایگاه همان ستمگر

[جهنم] وارد کند».^۲

لذا قیام برای حق، طاغوت نیست.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۲ و ج ۱۰۱، ص ۲۶۲.

۲. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸.

۳. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.